

در این شماره می‌خوانید:

یادداشت ویژه: نقش وکیل در تضمین اصول دادرسی کیفری عادلانه
دکتر امیرحسن نیازپور، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

سخن سردبیر:

بر بال عدالت

علی وفائی خسروشاهی
دانشجوی کارشناسی ارشد
حقوق اقتصادی

وکالت در دنیای متاورس

مایکل ماری، دانشیار حقوق دانشگاه کنتاکی
مترجمان: مهدی فهیدی و دنیا سرقلی،
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

حق بر «داشتن وکیل» یا

حق بر «انتخاب وکیل»؟

سجاد نصرالله‌زاده، دانشجوی کارشناسی حقوق

فرهنگ‌سازی استفاده از وکیل

سید امیررضا کریمی سوق، دانشجوی کارشناسی حقوق



دادستان

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
مدیر مسئول: عرفان ولی پور
سر دبیر: علی وفائی خسروشاهی
هیأت تحریریه: عرفان ولی پور، علی وفائی خسروشاهی،
محمدرضا کدخدائی الیادرائی، سیدمصطفی طاهری

نویسندگان: دکتر امیرحسن نیازپور، علی وفائی خسروشاهی،
سجاد نصرالله زاده، محمدرضا عطایی، سید مجتبی مؤمنی،
سید امیررضا کریمی سوق، محمد عارف قلی پور،
نیما جلیوند شیرخانی تبار، مهدی فهیدی، دنیا سرقلی

گروه ویراستاری:

ویراستاران علمی: عرفان ولی پور، علی وفائی خسروشاهی
ویراستاران نگارشی: ستاره آیتی، صدرا اعلمی، فاطمه پایداری،
کارن حیدری، علیرضا سلمانی، محمدرضا صابری،
سیدمصطفی طاهری، یاسمن فتحی

گروه گرافیک:

تهیه عکس و تصویرسازی: علی وفائی خسروشاهی،
محمدرضا کدخدائی الیادرائی

[در تصویرسازی برای این نشریه، به طور عمد از هوش مصنوعی استفاده شده است.]

صفحه آرا: محمدجواد محسنی

طرح روی جلد: علی وفائی خسروشاهی

طراح لوگو: احمد محمدی شربانی

امور رسانه: امیرمهدی ایرانخواه اصل

با تشکر از دکتر امیرحسن نیازپور، عضو هیأت علمی
دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

ایمیل: Dadestanjournal@gmail.com

کانال تلگرام: @Dadestanjournal

اینستاگرام: Dadestanjournal

فهرست

آغازین	بر بال عدالت علی وفائی خسروشاهی	سخن سردنیر	۳
	نقش وکیل در تضمین اصول دادرسی کیفری عادلانه دکتر امیرحسین نیازپور	یادداشت ویژه	۷
	حق بر «داشتن وکیل» یا حق بر «انتخاب وکیل»؟ سجاد نصرالله‌زاده		۱۰
	وکالت و اخلاق حرفه‌ای محمدرضا عطایی و سید مجتبی مؤمنی		۱۸
	فرهنگ‌سازی استفاده از وکیل سید امیررضا کریمی سوق		۲۹
	رابطه مقررات انتظامی با اخلاق حرفه‌ای در وکالت محمد عارف قلی‌پور		۳۸
	وکالت تخصصی نیما جلیوند شیرخانی‌تبار		۴۳
ترجمه	وکالت در دنیای متاورس نویسنده: مایکل ماری مترجمین: مهدی فهیدی و دنیا سرقلی		۴۸



بر بال عدالت

علی وفائی خسروشاهی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی

vafayi.khosrowshahi.ali@gmail.com



مشهور است که وکیل، در کنار قاضی، یکی از دو بال عدالت در نظام حقوقی است. هر اندازه که در طول تاریخ، در معنای «عدالت» تردید شده باشد، در وظیفه وکیل در پیشبرد آن، به هرچه که تعبیر شود، کمتر تردید وجود داشته است. وکیل، در عین حال، آنچنان که از معنای لغوی آن مشخص است، «نماینده» موکل خود است. برآمده از ریشه «وکل» در معنای «کاری را به کسی واگذار کردن»، «وکیل» کسی است که موکل امور خود را به او وامی‌گذارد.^۱ وکیل، بر همین اساس و در مقام نمایندگی موکل، «باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را رعایت نماید».^۲ از همینجا مشخص می‌شود که وظیفه وکیل، حتی بسی فراتر و دشوارتر از قاضی‌ست؛ چرا که نه تنها باید به‌عنوان نماینده موکل خود، مصلحت او را پیش ببرد، بلکه باید در ایفای تعهد اخلاقی و حرفه‌ای خود در برخورد به عدل نیز کوتاهی ننماید.

سخن در باب اندرزهای اخلاقی به وکلا و لزوم رفتار حرفه‌ای آنان به کرات رفته است. نظر به اهمیت جایگاه وکیل، قضاوت‌های متنوعی در طول تاریخ درمورد این جایگاه وجود داشته است. تصوّراتی که شاید از وجهه بدبینانه وکلای یونان باستان، که به سفسطه‌کاری مشهور بودند آغاز شده و تا تقدیس جایگاه وکیل به‌عنوان بازوی فعال شهروندی دادگستری و دادخواهی در برابر متعدیان به حقوق افراد جامعه و تشبیه او به «بال عدالت» پیش رفته است.^۳ این میزان از

۱. لغت‌نامه دهخدا؛ مداخل «وکل» و «وکیل».

۲. م. ۶۶۷ قانون مدنی.

۳. و چه بسا این تقدیس، مانند هر امر اخلاقی دیگر، از ترس آن بوده که فرصت کژرفتاری در مقام وکالت همواره زیاد بوده است و در اینجا، برای بازرسی پیشینی و جلوگیری از ورود و حضور آنان در این حوزه بدان اطلاق شده است. «تقدیس» امری، به کلی، برای ایجاد انگیزه رفتار درست و همراه با تأمل درمورد آن است؛ به‌ویژه آنجا که گرایش به کژرفتاری درمورد چیزی بالاست یا انگیزه‌های قدرتمندی برای نقض مقتضیات اخلاقی در چیزی وجود دارد. اما تقدیس، شمشیری دولبه است؛ ممکن است همانطور که برای بهبود وضعیت اخلاقی و حرفه‌ای موجودیتی بدان اطلاق شده باشد، آن را از قضاوت و بازرسی نیز دور نماید و به‌عنوان چیزی والامقام و دست‌نایافتنی، حتی بیشتر با امکان و فرصت کژرفتاری روبه‌رو کند، بی‌آنکه مؤاخذه شود. درواقع، تقدیس می‌تواند موقعیت را در امری انحصاری کند و فضای رقابت برای راستی را از بین ببرد.



تنوع در بازخوردها و قضاوت‌ها راجع به این شغل خطیر، خبر از دشواری و ابعاد پیچیده و گسترده آن دارد؛ یعنی هرآنچه که هست، این موقعیت شغلی می‌تواند دامنه وسیعی از افراد را -از بااخلاق‌ترین‌ها تا بی‌اخلاق‌ترین‌ها- به خود جذب کند.

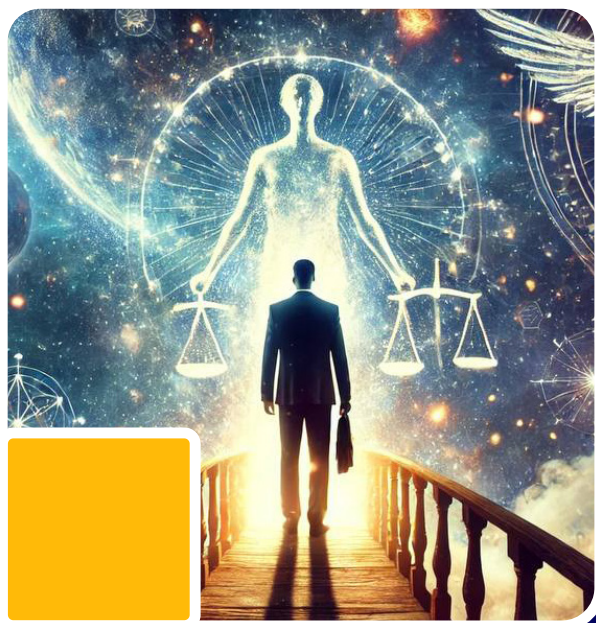
اما در یک نگاه واقع‌بینانه چه باید گفت؟ به‌راستی باید خود «وکیل» را در عبور از اصول حرفه‌ای یا اخلاقی به محکمه قضاوت کشانید یا باید اذعان کرد که رفتار وکیل و شأن او و نهاد وکالت، خود، معلول و نتیجه زیرساخت‌ها و نهادهای موجود در عرصه حقوق است؟ نظر ما بیشتر به سمت دومی‌ست.



آنچه که مسلم است، اولاً این است که وکالت شغلی‌ست مهم، زیرا مستقیماً با مسئله

«حق‌ها» سروکار دارد. ثانیاً، وکالت شغلی خطیر است، چرا که حرکت در مدار حقوق و دفاع از کسانی که حق ایشان ضایع شده است، می‌تواند برای شخص خطرآفرین باشد. ثالثاً، از آنجا که بسیار تأثیرگذار است، می‌تواند محل غش و فریبکاری و کثرت‌فروشی باشد. رابعاً، وکالت امری حرفه‌ای است، چرا که نیاز به دانش تخصصی و عمیق دارد. حتی بیشتر، نمایندگی از دیگری نیاز به شایستگی‌های اخلاقی و حرفه‌ای توأمان دارد، زیرا که امر امری رسمی و اثرگذار در تنظیم تمام جامعه است. وکالت، یکی از ویتترین‌ها و رونماهای تمام نظام حقوقی یک کشور است. از این روست که می‌گوییم، وکیل برآمده از توان‌ها و زیرساخت‌های یک نظام حقوقی‌ست.

اما اگر بخواهیم از تکرار مکررات و قلم‌فرسایی بیهوده بپرهیزیم، باید در یک کلام بگوییم چه باید کرد؟ وضعیت مسائل و دغدغه‌های وکالتی در کشور مشخص است. از یک سو قانون موسوم به «تسهیل»، نشان



از عدم نگاه حرفه‌ای به وکالت دارد. از سوی دیگر، حق بر دسترسی آسان به وکلای شایسته با هزینه‌های معقول برای شهروندان، ایجاب می‌کند فضای رقابتی خوبی در شغل وکالت ایجاد گردد. نگاه بازاری به وکالت و نداشتن دغدغه دانش حقوقی تخصصی در این امر سبب شده است «حقوق»ی که در دادگاه‌ها به طور عملی در جریان است، از ادبیات آکادمیک و علمی کلاسیک فاصله بگیرد و بازار وکالت، به‌وفور، محل جولان افرادی باشد که نه وجهه علمی، بلکه وجهه بازاری، و بلکه بدون کوچک‌ترین شأنیت علمی در خور وکالت دارند. همین امر، در صورت غلبه، افراد آکادمیک و علمی را از این حوزه به کناری می‌زند، اصول حقوقی را بی‌معنا نموده و دادرسی صحیح و اصولی را خدشه‌دار می‌کند. دغدغه‌های معیشتی وکلای جوان و جویای کار^۴ از یک سو و انحصار پیران و علی‌الخصوص قضاتی که رو به وکالت آورده‌اند از سوی دیگر، فضا را در بازار وکالت، بیشتر و بیشتر دوقطبی کرده است. آموزش حقوقی ناکافی شهروندان و بی‌خبری ایشان از حق‌های خویش، آنان را بیشتر در معرض خطر افتادن در دام وکلایی قرار می‌دهد که ممکن است از ناآگاهی و عدم تقارن اطلاعاتی در رابطه وکیل-موکل سوءاستفاده کنند. کمبودها در زمینه فرهنگ استفاده از وکیل نیز مزید بر علت است. افراد به‌ندرت در روابط حقوقی خود، پیش از آنکه دعوایی پیش بیاید، به وکیل مراجعه می‌کنند. کمتر کسانی برای انعقاد قراردادهای معمولی خود از مشاورین

حقوقی خبره استفاده می‌کنند - که بخشی از آن می‌تواند به هزینه‌های گزاف و به‌صرفه نبودن آن نسبت به درصد احتمال خطر دعوای بعدی باشد. همین امر، دعوای متعدد بعدی را پدید می‌آورد. این عدم اعتماد به حقوقدانان معتبر در امور حقوقی گاه حتی در سازمان‌ها نیز رخ می‌دهد که موجب ضرر و زیان عمده است. نگاه مقدس‌وار به وکیل، محدود کردن بی‌دلیل برخی رفتارها برای او، همانند تبلیغات، جایگاه او را به گونه‌ای دست‌نیافتنی می‌کند که رقابت را دشوارتر و اصلاح امور را با موانع بیشتری روبه‌رو می‌کند. مسائل جدید پیش‌آمده نیز، همانند هوش مصنوعی، فضای مجازی و دنیای موازی متاورس، نیازمند وکلای تخصصی آگاه به این زمینه‌ها برای رفع مسائل حقوقی مرتبط با خود است. حقوق دانشی پویاست که ارتباط انسان‌ها را در هر فضایی و تحت هر شکلی که باشد تنظیم‌گری می‌نماید و از این رو، در هر محیطی که بیش از یک انسان به نحوی حضور داشته باشد، دعوای حقوقی و کیفری، محکمه و قاضی و وکیل وجود خواهد داشت.

آنچه که در این شماره از دادستان، که ویژه‌نامه وکالت است، بدان پرداخته خواهد شد، پاسخ به بخشی از مسائل مطرح‌شده بالاست. اگرچه مسائل کثیر و مجال در اینجا اندک است، اما خرسندیم که در قالب این ویژه‌نامه از نشریه دادستان، فرصتی برای فتح باب به روی برخی مسائل ایجاد شده است. علی‌ای حال، پیش از ورود به مباحث تخصصی هر کدام از مقالات و یادداشت‌های بعدی،

۴. این یک دغدغه جدی است که توالی فاسد زیادی دارد. وکلای جوانی که ممکن است برای گذران زندگی دست به هر روشی در تبلیغات خود بزنند شأنیت وکیل را زیر سؤال می‌برند و این تبعاً می‌تواند جایگاه علمی، تخصصی و حرفه‌ای شغل وکالت را از بین ببرد و وجهه آن را بیش از پیش به یک شغل بازاری تنزل دهد. نتیجه امر، درست در نقطه مقابل تقدیس بیش از اندازه وکیل قرار می‌گیرد. همانقدر که تقدیس بی‌مبنا آسیب‌زننده است، افتادن از این سوی بام نیز زننده و آسیب‌زاست. اما باید با این مسأله برخوردی واقع‌گرایانه داشت. نمی‌توان از وکیل جوانی که به دنبال یافتن جایگاه و اعتبار در بازار است انتظارات فراتر از توان او داشت. بلکه باید ترندهای بازار وکالت را به طرفی سوق داد که موکل جوان، به عوض افتادن در دام تکنیک‌های بازاریابی صرف و به دور از دانش تخصصی حقوقی، با عیار علمی خود، بتواند مزیت اقتصادی نیز کسب نماید و این، جز با علمی کردن محیط دادگاه‌ها، تخصصی‌سازی وکالت و بها دادن به دانش حقوقی واقعی و استدلال‌های محکم و استوار مبتنی بر اصول دقیق حقوقی در عرصه نظام دادگستری میسر نمی‌شود. از این رو، تربیت قضات شایسته، در آن سوی میزهای دادگاه‌ها، مکمل ساخت نهاد وکالتی شایسته در این سو است.



براساس دانش‌سنجی؛

۸. ایجاد دوره‌های کارآموزی وکالت و کلینیک‌های حقوقی در درون دانشکده‌های حقوق از سال‌های آغازین تحصیل دانشجویان برای پرورش وکلا در محیط علمی و زیر نظر استادان دانشگاهی؛
۹. گسترش دانش حقوقی عمومی برای کاهش فرصت سوءاستفاده در شغل وکالت و از بین بردن انگیزه‌های سودجویان برای ورود به این حوزه؛
۱۰. ایجاد نظام درجه‌بندی علمی و فنی وکلا با ساخت فرمول‌های دقیقی که از ضریب دانش و درجه علمی و تخصصی وکیل و تجربه و سابقه کار او به دست بیاید، جهت تفکیک بهتر میان وکلا، آسانی کار شهروندان در انتخاب وکیل و نیز، ایجاد انگیزه‌های ارتقاء در شغل وکالت از طریق صحیح علمی و حرفه‌ای.

علی وفائی خسروشاهی
سردبیر نشریه دادستان
بهار ۱۴۰۳

برخی پیشنهاد‌های کلی را در زمینه مسائل وکالت در ایران مطرح می‌سازیم که به نظر می‌رسد می‌توانند محل تأمل، چاره‌گری و راهگشایی باشند:

۱. نگاه حرفه‌ای توأم با واقع‌بینی به وکالت و تغییر نگاه رمانتیک دوقطبی خیر-شری و فرشته-دیوانگاری وکیل؛
۲. تقویت نگاه به وکیل به‌عنوان شخصی متخصص در زمینه دانش حقوقی با الزام به‌گذراندن آزمون‌های دشوار اما هدفمند؛
۳. الگوگیری از نظام‌های حقوقی دیگر در خلق فرصت تبلیغات مؤثر برای وکلا به منظور ایجاد رقابت سالم و مفید برای متقاضیان خدمات حقوقی وکالتی؛
۴. تقویت فرهنگ مراجعه پیشینی به وکیل؛
۵. ایجاد ابتکارات حقوقی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان وکیل و موکل؛
۶. بازنگری در روش‌های ورود به بازار وکالت و تغییر رویه «از قضاوت به وکالت» به «از وکالت به قضاوت»؛
۷. تخصصی‌سازی وکالت و اعطای مجوزهای حرفه‌ای محدود به حوزه‌های خاص وکالتی



نقش وکیل در تضمین اصول دادرسی کیفری عادلانه

دکتر امیرحسین نیازپور

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

a_niazpour@sbu.ac.ir



مقدمه

دادرسی کیفری عادلانه از الگوهای توجه‌پذیر بررسی چگونگی رسیدگی به رفتارهای مجرمانه و پاسخ دادن به مرتکبان بزهکاری است. این الگو که بر رعایت و تضمین سلسله‌ای از اصول و حق‌ها در فرآیند کیفری تأکید دارد، از دهه ۱۹۶۰ مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی سازمان ملل متحد قرار گرفته است. ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نمونه‌ای برجسته در این زمینه به شمار می‌رود. بر اساس آن، حق بر دادرسی عادلانه از جمله حق‌های اساسی بشری افراد در فرآیند کیفری پیش‌بینی شده است. در چهارچوب سیاست جنایی ایران، الگوی مذکور از رهگذر دسته‌ای از اصول پیش‌بینی شده در فصل سوم قانون اساسی با عنوان «حقوق ملت» شناسایی پذیر است. در این فصل به اصل برائت، قانونی بودن جرم‌ها و مجازات‌ها، حق داشتن وکیل و احترام گذاشتن به کرامت بشری در فرآیند کیفری اشاره گردیده است. این رویکرد اساسی شده در مواد ۱ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز تبلور یافته است. در آن‌ها برای عادلانه شدن دادرسی، اصول و حق‌های استقلال داشتن و جانبدار نبودن نهادها و کارگزاران قضایی، رسیدگی در زمان متعارف و دفاع در فرآیند کیفری پیش‌بینی شده‌اند. برای مثال، می‌توان از ماده ۵ سخن به میان آورد. به موجب آن «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل... بهره‌مند شود». آشکار است که قانونگذار در راستای اصل ۳۵ قانون اساسی و در چهارچوب فصل اول از بخش اول قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، با عنوان «تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن» حق برخورداری از وکیل را برای کنش‌گران دعوای کیفری شناسایی کرده است. این حق که باید در سرتاسر فرآیند کیفری نسبت به متهمان و بزه‌دیدگان دسترس‌پذیر باشد، در مواد ۴۸، ۱۹۰، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۸۵ قانون مذکور جایگاه یافته است. بر این اساس، نقش آفرینان دعوای کیفری می‌توانند از تخصص و توان وکیل برای دفاع حق‌ها و خواسته‌ها استفاده کنند. بهره جستن از وکیل در فرآیند کیفری از جلوه‌های برجسته دادرسی عادلانه

به شمار می‌رود. به هر رو، متهمان دارای آگاهی و دانش حقوقی نیستند و قاعدتاً برای دفاع آن هم در برابر ادعاهای دادستان برخوردار از امکانات متعدد نهاد دادرسی و ضابطان دادگستری باید از «کاردانان حقوقی» استفاده نمایند تا از این رهگذر کمینه تا اندازه‌ای برابری ابزارها میان متهمان و دادستان تبلور یابد. خصوصاً این که شهروندان مذکور بر پایه اصل ۳۷ قانون اساسی باید بی‌گناه به شمار آیند و علاوه بر این که اثبات بزهکاری این دسته باید از سوی ادعاکننده صورت پذیرد، حق دارند از امکانات و ابزارهای لازم برای دفاع و پیشگیری از ناپایدار شدن اصل مذکور برخوردار باشند. بنابراین، پیش‌بینی «حق داشتن وکیل» جلوه‌ای از دادرسی عادلانه است. اما، از این دریچه عادلانه شدن دادرسی کیفری به چگونگی ایفاء نقش وکیل و نوع استفاده از وظیفه‌ها و اختیارات برخوردار در فرآیند کیفری وابسته است. چه این که برای شناسایی و تضمین برابری ابزارها میان متهمان و دادستان‌ها در فرآیند کیفری باید، از یک سو وظیفه‌ها و اختیارات شایسته‌ای برای وکیل پیش‌بینی کرد و از سوی دیگر، این دسته به شکل مناسب در راستای کنش‌گری و بهره‌گیری به هنگام و اصول‌مند از آن‌ها گام بردارند. به این ترتیب، عادلانه شدن دادرسی کیفری افزون بر نوع و جنبه‌های سیاست شناسایی‌شده برای جایگاه و وظیفه و اختیارات وکیل به چگونگی کنش‌گری و نوع رویکرد این دسته نسبت به وظیفه‌ها و اختیارات برخوردار و همچنین مجموعه اصول دادرسی عادلانه مرتبط است. در قلمرو عدالت کیفری برای وکیل سلسله‌ای از وظیفه‌ها و اختیارات پیش‌بینی شده است. شماری از آن‌ها

عنوان ناظر جامعه می‌تواند در صورت رعایت ناشدن مقررات در راستای یادآوری ضوابط و گاه پی‌گیری از نهادهای نظارتی گام بردارد. به این ترتیب، وکیل که از کارگزاران بنیادی عدالت کیفری است، نسبت به رعایت و تضمین اصول و حق‌های مربوط به دادرسی عادلانه مانند اصول آزادی‌مدار، استقلال داشتن و جانب‌دار نبودن، برابری‌مداری، علنی بودن دادرسی کیفری، کرامت‌مداری، براءت، حق اعتراض به بازداشت و آرای کیفری و حق استفاده از مترجم در فرآیند رسیدگی و حق حضور در دادگاه برای دفاع کردن و حق تفهیم اتهام نقش ایفاء کند.

این مسئولیت برای وکیل علاوه بر این که در ضوابط فراگیر دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است، در مقررات ویژه مربوط به نهاد وکالت و چگونگی کنش‌گری وکیل نیز شناسایی گردیده است. برای نمونه، می‌توان به ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری ۱۴۰۰ اشاره کرد که در آن رعایت قوانین، عدالت‌پیشه بودن، جانب‌دار نبودن، تلاش برای سازش و حق‌مداری در شمار رکن‌های اساسی سوگندنامه وکیلان دادگستری قرار گرفته است. با توجه به اهمیت اصول و نقش و مسئولیت وکیلان دادگستری در این زمینه، آموزش این کارگزاران برای شناخت جایگاه این دسته در تضمین اصول دادرسی عادلانه، شناساندن نظام‌یافته اصول دادرسی عادلانه در دوره‌های تحصیل دانشجویان حقوق و کارآموزی وکالت، تقویت جایگاه وکیل در سرتاسر فرآیند کیفری خصوصاً از لحاظ داشتن آزادی دفاع در عرصه دادرسی و دادگاه و همچنین، تهیه و تدوین «رهنمودنامه چگونگی ایفاء نقش وکیل در دادرسی کیفری عادلانه» می‌تواند تا اندازه‌ای در نهادینه شدن این نقش و مسئولیت به هنگام کنش‌گری در فرآیند کیفری تأثیرگذار باشد.

به پی‌گیری‌های اداری مربوط به پرونده‌های کیفری ناظر است. زدایش نقص پرونده‌ها، پی‌گیری ابلاغ برگه‌های قضایی، انجام آیین قرارهای تأمین کیفری مانند قرار وثیقه از جمله این اقدام‌ها به شمار می‌روند. لیکن، دسته‌ای دیگر به اصول و حق‌ها و آزادی‌های بنیادین مربوطند. از این رو، ایفاء نقش وکیل در این زمینه می‌تواند اسباب دادرسی عادلانه را فراهم آورد. برای نمونه، می‌توان به اصل قانونمندی و نقش وکیل در تضمین آن به عنوان جلوه‌ای از دادرسی عادلانه اشاره کرد. در ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است که «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد...». بر این اساس، وکیل باید تلاش خود را نسبت به رعایت هنجارهای ساختارمدارانه، آیین‌مدارانه، کنش‌مدارانه و لازم را ایفاء نماید. در خصوص نقش یکم، وکیل در تمام مرحله‌های فرآیند کیفری باید رویکرد قانون را پی‌گیری کند و در خصوص نقش دوم، وکیل به هنگام به کارگیری وظیفه‌ها و اختیارات راساً باید در راستای اجراء قانون گام بردارد. برای مثال، وکیل در فرآیند ثبت شکایت و تعیین مکان ارتکاب جرم باید به رعایت ضوابط مبادرت ورزد. نمونه‌ای دیگر، می‌تواند نقش ناظر وکیل در حفظ و تضمین کرامت متهمان در فرآیند کیفری باشد. براساس ماده ۴ قانون مذکور به اصل کرامت‌مداری و حفظ اعتبار افراد به هنگام تعقیب، انجام تحقیقات مقدماتی و دادرسی اشاره گردیده است. در همین چهارچوب، رعایت سلسله‌ای از ضوابط برای انجام دسته‌ای از اقدام‌ها در فرآیند کیفری در شمار وظیفه‌های کارگزاران عدالت کیفری قرار گرفته است. برابر ماده ۶۰ قانون پیش‌گفته «به کارگیری اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است...». این سیاست برای حفظ کرامت متهمان شناسایی شده است و وکیل به

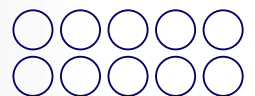


حق بر «داشتن وکیل» یا حق بر «انتخاب وکیل»؟

سجاد نصرالله‌زاده

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه تبریز

s.nasrollahzadeh.s@gmail.com



یکی از مهم‌ترین حقوق و آزادی‌های فردی حق دادخواهی و حق دفاع می‌باشد و از آنجایی که «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند...» (مادهٔ یک اعلامیه جهانی حقوق بشر)، این حقوق تضمین‌کننده و حمایتگر سایر آزادی‌های فردی می‌باشد.

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید...» (اصل ۳۴ قانون اساسی). منظور از دادخواهی آن است که چنانچه حقوق و آزادی‌های اساسی فردی شخص در معرض تهدید قرار گرفته و یا به آن‌ها تجاوز شود، می‌تواند از مراجع صلاحیت‌دار قانونی درخواست خسارت وارده را نموده و مراجع مذکور بی‌غرضانه و در کمال استقلال در یک دادرسی عادلانه به ادعای وی رسیدگی کرده و در صورت اثبات، رأی به جبران خسارت دهند.

حق دفاع در مقابل حق دادخواهی است. حق دفاع در یک تعریف جامع عبارت است از سلطه‌ی غیرقابل انفکاک با شخصیت فرد که به وسیله‌ی نظام حقوقی کشور به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است و به موجب آن شخص می‌تواند رفتار مجرمانه یا ادعای حقوقی علیه خود را که براساس شکایت اشخاص و یا مقام تعقیب از سوی مراجع انتظامی و قضائی به وی منتسب گردیده است، با همهٔ امکانات و طرق قانونی رد و انکار نماید.^۱

تاریخ تمدن و سرنوشت و تکامل اقوام و ملل نشان می‌دهد که مساعدت حقوقی به مردم و راهنمایی آن‌ها در این زمینه، در مواردی که اختلافات مالی یا خانوادگی پیدا می‌نمودند و همچنین دفاع از آن‌ها در مواردی که به نقض آداب و رسوم یا ارتکاب جرمی علیه اجتماع یا اشخاص متهم گردیده و تحت تعقیب قرار می‌گرفتند، هم‌زمان با داوری و قضا یا به عرصه‌ی وجود گذاشته است. این امر را برای اشخاص و به نام آن‌هایی که توانایی لازم را در این خصوص نداشتند،

۱. مؤذن‌زادگان، حسنعلی، حق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه‌های حقوقی سال ۱۳۷۷، شماره ۹، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.



نموده و یا از دعوا یا شکایت مطروحه علیه خود شخصاً دفاع نمایند، امکان تضییع حق و محکومیت به ناحق آن‌ها وجود دارد. بنابراین حال که اشخاص غیرمتخصص از اشتغال به حرفه‌ی پزشکی به منظور معالجه‌ی دیگران منع گردیده‌اند و اشخاص غیرمتخصص تلویحاً حتی جهت مداوا و معالجه‌ی خویش به پزشکان هدایت شده‌اند، باید از دخالت اشخاص غیرمتخصص در حرفه‌ی وکالت جلوگیری نموده و اصحاب دعوا و شکایت را از طرح و دفاع از دعاوی مربوط بر حذر داشته و به مراجعه نزد وکیل ملزم نمود.^۲



کسانی انجام می‌داده‌اند که از سنن، عرف‌ها و قوانین و احکام آگاهی لازم را داشته‌اند.^۲ با اینکه «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است...» (اصل ۱۵۹ قانون اساسی) و «...هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.» (اصل ۳۴ قانون اساسی)، اما اقامه‌ی دعوا و اثبات حق یا دفاع از آن در محاکم دارای مسائل پیچیده و دقیقی بوده و توسط اشخاصی که تحصیلات حقوقی نداشته و صلاحیت آن‌ها به موجب مرجعی صالح احراز نشده باشد، دشوار می‌نماید و همین امر ممکن است تضییع حقوق اشخاص و به تبع آن از بین رفتن اعتماد افکار عمومی را نسبت به مرجعی که بنا به تصریح قانون اساسی «...پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت...» (اصل ۱۵۶ قانون اساسی) می‌باشد، موجب شود. بنابراین به تعبیر استاد بزرگوار دکتر عبدالله شمس،



«برای مثال، اگر غیرپزشک براساس تشخیص خود اقداماتی را رأساً به منظور مداوا و معالجه‌ی خویش معمول دارد، نه تنها نوعاً معالجه نشده بلکه امکان تشدید بیماری و... او نیز وجود دارد، به همان گونه، چنانچه اشخاص غیرمتخصص مجاز باشند که دعوا یا شکایت مورد نظر را حتی اگر مربوط به خود آن‌ها باشد، شخصاً مطرح

حال که تعریفی از حقوق دادخواهی و دفاع به عمل آمد و نیاز اشخاص به حق برخورداری از وکیل در محاکمات روشن گردید، می‌خواهیم درصدد پاسخ به این سؤال برآییم که آیا این نیاز صرفاً با به رسمیت شناخته شدن حق بر «داشتن وکیل» تأمین می‌شود؟ یا باید گامی فراتر نهاد و قائل بر این شد که اشخاص نه تنها حق دارند در محاکمات وکیل داشته باشند، بلکه باید این حق را نیز داشته باشند که بتوانند این وکیل را خود انتخاب نمایند؟ یا به عبارت دیگر حق دارند که در محاکمات «وکیل منتخب» خود را داشته باشند؟ به همین منظور ابتدا تعدادی از اسناد بین‌المللی که حق برخورداری از وکیل را به رسمیت شناخته‌اند اجمالاً مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس تعدادی از قوانین و مقررات

۲. کاتنی، حسینقلی، وکالت در دنیای قدیم، مجله‌ی کانون وکلای دادگستری مرکز، سال نوزدهم (۱۳۴۶)، شماره ۱۰۵، ص ۲۰۹.

۳. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره‌ی پیشرفته)، جلد نخست، انتشارات دراک، ۱۴۰۰، ص ۲۱۱.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد) می‌داند، حق داشتن وکیل را به‌صراحت مورد اشاره قرار نداده است، ولی از ماده ۱۱ اعلامیه که مقرر می‌دارد: «هرکس به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد»، می‌توان حق برخورداری افراد از وکیل را به عنوان یکی از موارد تضمین‌های لازم برای دفاع استنباط کرد.

ب) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

«همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هرکس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده، طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزائی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.»

(بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد)
به همین منظور، میثاق بین‌المللی حقوق

کشورمان را به همین منظور بررسی کرده و برخی از محدودیت‌هایی که بر این حق از جمله در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ وارد شده است را مورد اشاره قرار داده و می‌خواهیم با توجه به قانون اساسی و نظرات علمای حقوق دریابیم که آیا چنین محدودیت‌هایی موجب نقض این حق مسلم شده است؟

گفتار نخست: اسناد بین‌المللی

«...از آنجا که حمایت کافی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که همه افراد از آن برخوردار هستند، چه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یا مدنی و سیاسی، مستلزم آن است که همه افراد دسترسی مؤثر به خدمات حقوقی ارائه شده توسط یک متخصص حقوقی مستقل داشته باشند...»

(اصول اساسی نقش وکلا مصوب ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ سازمان ملل متحد). در اسناد گوناگون برای تأمین و تضمین این حق اشاراتی شده است.

الف) اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان سندی که «حرمت ذاتی آدمی و حقوق برابر و سلب‌ناپذیر تمامی اعضای خانواده بشری» را «بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان» (مقدمه

مدنی و سیاسی در قسمت «د» از بند سوم ماده ۱۴ مقرر می‌دارد:



«با توجه به اینکه در منشور ملل متحد، ملل جهان بر عزم خود جهت ایجاد شرایطی که تحت آن عدالت حفظ شود تأکید می‌کند و یکی از مقاصد خود را کسب همکاری بین‌المللی در ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون تبعیض از لحاظ نژاد، جنس، زبان یا مذهب، اعلام می‌کند و با توجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر حاوی اصول مساوات در مقابل قانون، فرض بی‌گناهی، حق دادرسی منصفانه و عمومی توسط دادگاه مستقل و بی‌طرف و کلیه ضمانت‌های لازمه برای دفاع از افرادی که متهم به ارتکاب جرائم کیفری هستند، است، [...] با توجه به مجموعه اصول حمایت از کلیه افرادی که تحت هرگونه بازداشت و زندان هستند که مقرر می‌کند فرد بازداشت‌شده حق خواهد داشت با وکیل دعاوی تماس گرفته و مشورت کند و کمک بگیرد. با توجه به اینکه قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان به طور اخص توصیه می‌کند که کمک حقوقی و ارتباط محرمانه باید برای زندانیان محاکمه شده تضمین شود. با توجه به تضمین‌های مربوط به حمایت از کسانی که در معرض مجازات اعدام قرار دارند، بر حق کلیه افراد مظنون و متهم‌شده به جرمی که مجازات اعدام



«[هرکس حق دارد] در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق‌الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت.»



ج) اصول بنیادین راجع به نقش وکلاء

راجع به وکلاء و فعالیت حرفه‌ای آن‌ها سند اختصاصی‌ای تحت عنوان «اصول بنیادین راجع به نقش وکلاء» مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل متحد پیرامون پیشگیری از جرم و رفتار با متخلفان مصوب سال ۱۹۹۰ معروف به «بیانیه هاوانا» وجود دارد.^۴ این سند به‌طور خاص، بیشتر ناظر به تکالیف دولت‌ها در راستای حفظ استقلال وکیل و قانون وکلای دادگستری است.

مطالعه مقدمه این متن بنیادین صحنه دیگری بر حمایت هرچه بیشتر از حق برخورداری از وکیل در محکمه به‌عنوان یکی از شروط تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه و حفظ استقلال آن در برابر قوای حاکمیتی، می‌گذارد:

4. Basic Principles on the Role of Lawyers, Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, 27 August to 7 September 1990.

بار دیگر در ماده پنج این سند تضمین حق برخورداری از وکیل منتخب خود افراد مورد تصریح قرار گرفته است:

“

«دولت‌ها باید تضمین کنند که همواره اشخاص هنگام دستگیری یا بازداشت یا وقتی به یک جرم کیفری متهم می‌شوند، بلافاصله توسط یک مقام صالح از حقشان در کمک خواستن از یک وکیل به انتخاب خودشان، آگاه خواهند شد.»^{۷۵}

“

دارد برای برخورداری از کمک حقوقی کافی در کلیه مراحل رسیدگی، طبق ماده ۴۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تأکید نموده است. با توجه به اینکه حمایت کافی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که کلیه افراد محق به برخورداری از آنها هستند، خواه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا مدنی، سیاسی، مستلزم آن است که کلیه افراد دسترسی مؤثر به خدمات حقوقی وکلای حرفه‌ای مستقل داشته باشند، [این اصول بنیادین تدوین شده است.]^{۷۶}

“

این سند در ماده یک به صراحت حق داشتن وکیل منتخب را به رسمیت شناخته است:

گفتار دوم: حقوق ایران

قانون اساسی هر کشور به عنوان قانونی که متضمن اصول مهم حقوق عمومی و آزادی‌های اساسی شهروندان آن جامعه می‌باشد، دارای ویژگی برتری نسبت به سایر قوانین می‌باشد به همین دلیل می‌خواهیم بررسی کنیم که حق برخورداری از وکیل در مراحل مختلف دادرسی در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است یا نه؟

در قانون اساسی مشروطه حق بر دادخواهی به صورت کلی و مبهم بیان شده و قانون‌گذار اساسی در خصوص داشتن حق وکیل سکوت کرده است.^{۷۷}

“

«کلیه افراد حق دارند خواستار کمک وکیلی که خود انتخاب می‌کنند برای حمایت و ثبوت حقوق خود و دفاع از آنها در کلیه مراحل رسیدگی جزایی بشوند.»

“

۵. دقیقی، علیرضا، برگردان: اصول اساسی مؤثر در نقش وکلا، وکالت، شماره ۳۱ و ۳۲، ۱۳۸۵، ص ۷۹.

۶. برای مطالعه‌ی بیشتر در این مورد ر.ک: محسنی، حسن، نقش وکیل دادگستری در حقوق امروز (با قافله عدالت یادنامه دکتر ناصر کاتوزیان به اهتمام دکتر ابراهیم شعاریان)، ۱۳۹۳، صص ۹۷۴-۹۵۱.

۷. تکلو، سمیه، واکاوی حق دفاع در محاکم در نظام حقوقی ایران با تأکید بر قانون تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب و کار و تأثیر آن بر نهاد وکالت دادگستری، دانشنامه‌های حقوقی دوره پنجم، شماره ۱۷، ۱۴۰۱، ص ۴۱.

وکیل دادگستری باشد. این ماده که گویای توجه مقنن به لزوم حضور وکلای دادگستری در دادخواهی از دادگستری است، از وجود اهداف بزرگی پرده برمی‌دارد که مقصودشان تخصصی و حرفه‌ای کردن امر ادعا و دفاع و نتیجتاً کاهش احتمال طرح دعاوی بیهوده و واهی در دادگستری و همچنین درنهایت، کاستن از هزینه‌های مادی و معنوی اشتباه در دادرسی نسبت به طرفین دادرسی و دولت است. این اقدام پسندیده با صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۱۴-۱۳۸۸/۱۲/۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور عقیم ماند.^۸

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در موارد مختلفی به این حق توجه نموده است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- ماده ۵ درمورد حق دسترسی به وکیل در اسرع وقت،
- تبصره ۲ ماده ۱۳ در مورد معرفی و انتخاب وکیل برای متهم مجنون،
- ماده ۴۸ در مورد حق مشورت با وکیل،
- ماده ۸۶ درخصوص حق بهره‌مندی از خدمات وکیل دادگستری،
- حق همراه داشتن یک نفر وکیل دادگستری در مرحله تحقیقات مقدماتی موضوع ماده ۱۹۰ و تبصره ۲ آن در مورد حق بهره‌مندی از خدمات وکیل تسخیری در جرایم مستوجب سلب حیات و حبس ابد،
- امکان تذکر از سوی وکیل به بازپرس در صورت طرح سؤالات تلقینی یا موارد خلاف قانون موضوع تبصره ماده ۱۹۵،
- دفاع و اقدامات مذکور در مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۳۴۲، ۳۴۶ تا ۳۵۱، ۳۵۹، ۳۷۱، ۳۸۰،
- وکالت تسخیری موضوع جرایم بندهای الف تا ت ماده ۳۲ وفق ماده ۳۸۴

پس از پیروزی انقلاب اسلامی فصل سوم قانون اساسی ذیل عنوان «حقوق ملت» به مهم‌ترین حقوق و آزادی‌های شهروندان پرداخته است. اصول ۳۴ تا ۳۹ قانون اساسی به روشنی از حق بر رسیدگی عادلانه سخن می‌گوید و اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه قضائیه را «...پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت...» قرار داده است. در این میان اصل ۳۵ قانون اساسی در خصوص حق برخورداری از وکیل مقرر می‌دارد:

“

«در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

“

در دادرسی‌های مدنی ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی راجع به انتخاب وکیل چنین بیان داشته است: «هر یک از متداعیین می‌تواند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نماید.» البته ناگفته نماند به موجب ماده ۳۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵ در نقاتی که وزارت دادگستری اعلام کند اقامه تمام یا بعضی از دعاوی حقوقی و نیز شکایت از آرا و دفاع از آن‌ها در دادگاه‌های دادگستری باید منحصرأ با دخالت

در همین اصلاح شتابزده تبصره مورد بحث، حتی محل درست کار نیز رعایت نشده است؛ زیرا متن ماده به دلالت جایگاه ناظر به وظایف ضابطان دادگستری و ملاقات وکیل با متهم در مرحله تحت نظر در جرایم مشهود است، و حال آنکه تبصره مربوط به مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است که اصولاً در ماده ۱۹۰ بیان شده است. تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ پیش از اصلاحات سال ۹۴ ایجاد محدودیت زمانی در دسترسی به وکیل را پیشنهاد داده بود.^۹ محدودیت مذکور در تبصره ماده ۴۸ به گونه‌ای دیگر در ماده ۶۲۵ همان قانون تکرار شده و طرفین دعوا در دادسرا و دادگاه نظامی را ملزم کرده است که وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد، انتخاب نمایند.

البته محدودسازی این حق در قانون آیین دادرسی کیفری برای اولین بار نبوده و جلوه‌هایی از این محدودیت در مقرره‌های دیگری به چشم می‌خورد، از جمله تبصره یک مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ بیان می‌دارد:

«اصحاب دعوی در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب وکیل دارند، دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص می‌کند، تا از میان آنان به انتخاب متهم، وکیل انتخاب گردد.»

در این خصوص اگرچه اصحاب دعوا در دادگاه ویژه روحانیت می‌توانند وکیل داشته باشند اما آن‌ها باید در وهله نخست از وکلای

- آخرین دفاع و حق بیان وفق ماده ۳۹۹،
- حق حضور در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان وفق ماده ۴۱۳ و
- حق حضور در جریان اجرای حکم مطابق ماده ۵۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری.^۹ اکنون که برخی از مصادیق شناسایی حق برخورداری از وکیل در محکمه چه در اسناد بین‌المللی و چه در حقوق داخلی مطرح گردید، شایسته است محدودیتی را که از جمله در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ بر این حق وارد شده است مورد بررسی قرار دهیم. تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری که در اصلاحات سال ۹۴ به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ اضافه گردید، بیان می‌دارد:



«در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۲۰۳ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضاییه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضاییه اعلام می‌گردد.»



۹. محسنی، حسن، نقش وکیل دادگستری در حقوق امروز (با قافله عدالت یادنامه دکتر ناصر کاتوزیان به اهتمام دکتر ابراهیم شعاریان)، ۱۳۹۳، ص ۹۶۶.

۱۰. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: توجهی، عبدالعلی؛ محم کوره‌یز، حسن؛ گونه‌شناسی محدودیت‌های حق دسترسی به وکیل در جرایم امنیتی با تأکید بر مرحله پیش دادرسی (مطالعه تطبیقی)، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۸، ص ۷۵-۱۰۸.

روحانی و در وهله بعدی از بین وکلایی که دادگاه مشخص می‌کند، وکیل خود را انتخاب کنند.

به نظر می‌رسد چنین محدودیت‌های ناشایستی مغایر با قانون اساسی و حق بر دادرسی عادلانه و منصفانه می‌باشد، زیرا:



اولاً، اصل ۳۵ قانون اساسی حقی بیش از حق ساده برخورداری از وکیل به عنوان یکی از حقوق ملت برای طرفین دعوا را مورد شناسایی قرار داده و حاکی از «حق بر انتخاب وکیل برای خود» می‌باشد. به عبارت دیگر، از منظر قانون اساسی، هر کس نه تنها حق دارد که در دعوا وکیل داشته باشد، بلکه حق دارد که این وکیل را نیز خودش انتخاب نماید و دلیل این امر نیز روشن است؛ وکیل، فرد امین و مورد اعتماد موکل است و در انجام موضوع وکالت گاه از برخی اطلاعات مربوط به وی مطلع می‌شود که جنبه شخصی داشته و با حریم خصوصی او ارتباط دارد. موکل نیز گاه مدارک و یا صرفاً اطلاعاتی را در اختیار وکیل خود قرار می‌دهد که در شکل دادن سرنوشت

پرونده او نقشی تعیین کننده دارد. چنین رابطه‌ای مستلزم اعتماد موکل به وکیل است و وکیل نیز باید پاسداری امین برای این حس اعتماد باشد. پس حق دفاع بدون حق برخورداری از وکیل، و حق اخیر نیز بدون «حق بر



انتخاب» وکیل، کامل نیست. از کلمه «دادگاه» در اصل ۳۵ نیز نباید تصور شود که هدف قانون‌گذار اساسی، مقید ساختن آزادی انتخاب وکیل به مرحله دادگاه و سلب این آزادی عمل در دادسرا می‌باشد، بلکه با توجه به مبانی این حق، منظور از دادگاه در اصل مزبور، «مرجع قضایی» یا «مرجع رسیدگی» است.^{۱۱}

ثانیاً، باید قائل به اجرای اصل حاکمیت اراده بر قرارداد وکالت دادگستری بود و از میان آثار ماهوی این اصل، در این جا بر آزادی انتخاب طرف قرارداد وکالت در کنار آزادی طرفین به

۱۱. خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ویرایش هشتم، ۱۴۰۰، ص ۱۰۳-۱۰۲.



انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد و آزادی آن‌ها در تعیین محتوای آن، تأکید کرد (اصل مذکور در ماده ۱۰ قانون مدنی).^{۱۲}

ثالثاً، وجود چنین محدودیت‌های ناروایی، از یک سو برخلاف فلسفه وجودی دستگاه قضا می‌باشد که به صراحت قانون اساسی «...پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت...» است و از سوی دیگر ضابطه قانونی مشخص برای تعیین وکلا و معرفی آنان توسط رئیس قوه قضائیه وجود ندارد.

در نتیجه، بنابه آنچه ذکر گردید، حق برخورداری اشخاص از وکیل در محاکمه، منحصر به حق بر «داشتن وکیل» نمی‌باشد بلکه فراتر از آن، اشخاص نه تنها حق دارند که در محاکمات و مراجع رسیدگی وکیل داشته باشند، بلکه از این حق بنیادین نیز برخوردارند که وکیل مدافع خود را آزادانه انتخاب کنند، یا به عبارت دیگر، حق دارند در محکمه «وکیل منتخب» خود را داشته باشند.

منابع:

- تكلو، سمیه، واکاوی حق دفاع در محاکم در نظام حقوقی ایران با تأکید بر قانون تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب و کار و تأثیر آن بر نهاد

وکالت دادگستری، دانشنامه‌های حقوقی دوره پنجم، شماره ۱۷، ۱۴۰۱.

• توجهی، عبدالعلی، محم کوره‌پز، حسن، گونه‌شناسی محدودیت‌های حق دسترسی به وکیل در جرایم امنیتی با تأکید بر مرحله پیش‌دادرسی (مطالعه تطبیقی)، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۸.

خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ویرایش هشتم، ۱۴۰۰.

• دقیقی، علیرضا، برگردان: اصول اساسی موثر در نقش وکلاء، وکالت، شماره ۳۱ و ۳۲، ۱۳۸۵.

• شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد نخست، انتشارات دراک، ۱۴۰۰. کاتبی، حسینقلی، وکالت در دنیای قدیم، مجله قانون وکلای دادگستری مرکز، سال نوزدهم، شماره ۱۰۵، ۱۳۴۶.

• محسنی، حسن، کریمی، عباس، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱، ۱۳۹۰.

• محسنی، حسن، نقش وکیل دادگستری در حقوق امروز (با قافله عدالت یادنامه دکتر ناصر کاتوزیان به اهتمام دکتر ابراهیم شعاریان)، ۱۳۹۳.

مؤذن‌زادگان، حسنعلی، حق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه‌های حقوقی سال ۱۳۷۷، شماره ۹، ۱۳۷۷.

۱۲. محسنی، حسن، کریمی، عباس، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱.



وکالت و اخلاق حرفه‌ای

«و شرافت من وثیقه‌ی این قسم است.»



محمدرضا عطایی

سید مجتبی مؤمنی

کارآموز وکالت دادگستری و دانشجوی دکتری تخصصی
حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد انزلی و دانش‌پژوه سطح چهار و خارج فقه و اصول حوزه‌ی علمیه‌ی قم

mr.ataei@ut.ac.ir

mr.s.m.momenii@gmail.com



چکیده

اخلاق را می‌توان از اصلی‌ترین دغدغه‌های جوامع انسانی برشمرد که رعایت آن بر همه‌ی آحاد جامعه فرض است، اما درخصوص برخی حرفه‌ها، به سبب جایگاهی که در جامعه دارند، اخلاق مرتبه‌ای بالاتر یافته و سبب شده است مقوله‌ای به نام «اخلاق حرفه‌ای» شکل بگیرد. حرفه‌ی وکالت را به دلیل جایگاه خاصی که در اجرای عدالت دارد، باید بیش از سایر مشاغل به اخلاق حرفه‌ای متعهد دانست، به گونه‌ای که وکیل و اخلاق چنان درهم‌تنیده شده‌اند که گویی جداسازی آن‌ها از هم ممکن نباشد. در این مقاله‌ی کوتاه که به مناسبت روز وکیل برای نشریه‌ی دادستان نوشته شده است، قصد داریم نگاهی مختصر به موضوع وکالت و اخلاق حرفه‌ای با تمرکز بر متن قسم‌نامه‌ی وکالت بیندازیم، زیرا شرح کامل و دقیق آن در این مقال نمی‌گنجد.

واژگان کلیدی: وکالت، اخلاق، اخلاق حرفه‌ای.

مقدمه

وکالت به معنی «کسی را در کاری نایب خود قراردادن» تعریف شده است. اگرچه مطابق مفاد قانون مدنی، هر وکیلی موظف است اصول اخلاقی خاصی، از جمله رعایت مصلحت موکل را در نظر داشته باشد، اما بحث اصلی ما پا را از این امر فراتر نهاده و در خصوص وکیل دادگستری است؛ یعنی شخصی که مطابق قانون موفق به اخذ پروانه‌ی وکالت شده است و تحت این نام فعالیت می‌نماید.

اهمیتی که نقش و جایگاه وکیل دادگستری در جامعه از آن برخوردار است، تکالیف و تعهدات مختلفی را بر او بار می‌کند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رعایت اخلاق حرفه‌ای است. «اخلاق» جمع «خُلُق» است و از نظر علامه طباطبایی، ملکه و هیأت راسخه در نفس را خُلُق می‌نامند. کیفیات نفسانی تنها در صورتی خلق



جنبه‌ی بنیادین و اساسی دارند، تأکید و آن‌ها را در قالب قواعد معرفی می‌کند و بعضاً برای نقض آن‌ها ضمانت اجرا نیز تعیین می‌کند. در میان این دسته از ارزش‌ها، پاره‌ای دامن‌های عام دارد و پاره‌ای نیز خاص. در میان ارزش‌های عام نیز حسب حرفه‌ها و امور انسانی، برخی از این ارزش‌های عام قابلیت اعمال در حوزه‌ی خاص می‌یابند و رنگ خاص‌تری به‌خود می‌گیرند. در نتیجه، پاره‌ای از ارزش‌های عام اخلاقی، رنگ و بویی خاص به‌خود می‌گیرد و در برخی حوزه‌های خاص نقش محوری می‌یابد. از این روی، در گستره‌ی اخلاق حرفه‌ای نیز پاره‌ای از این ارزش‌های عام هنرنمایی می‌کنند و وارد این گردونه می‌شوند.

اخلاق حرفه‌ای با تمرکز بر یک حرفه، از میان ارزش‌های عام اخلاقی، پاره‌ای از آن‌ها را که در این حرفه موضوعیت می‌یابند، درگیر می‌کند و با تکیه بر آن‌ها، ضرورت رعایت ارزش‌های اخلاقی مربوط را به اشخاص فعال در این حرفه گوش‌زد می‌کند. در این قلمرو، وکالت در کنار سایر حرفه‌ها قرار می‌گیرد و با توجه به ماهیت و سرشتی که دارد، واجد اخلاق حرفه‌ای مختص به خود می‌گردد (ساعد، ۱۳۹۰).

وکالت دادگستری یکی از مشاغل خاص حوزه‌ی قضایی است که اگرچه تا حدی از اصول کلی عقد وکالت مندرج در قانون مدنی - که از آن به‌عنوان وکالت مدنی یاد می‌شود - تبعیت می‌نماید، اما به دلیل خصوصیات ذاتی خود شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد تا آنجا که مطابق تبصره‌ی ۳ ماده‌ی واحده‌ی مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا، در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار شده است؛ این مطلب در ماده‌ی ۶ آیین‌نامه‌ی اجرایی لایحه‌ی استقلال کانون وکلای دادگستری نیز درج شده و حتی کلیه‌ی

نامیده می‌شود که به صورت عقل عملی که مبدا افعال ارادی است، درآید (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۵۸). در حقیقت، اخلاق شامل سلسله قواعدی است که در طول ادوار زندگی یک جامعه، بر حسب فطرت انسانی در اندیشه‌ها به‌وجود آمده است و رعایت صور حسنه‌ی آن علاوه بر قابل احترام بودن، در نزد اکثریت افراد جامعه لازم شمرده می‌شود، هرچند که در عمل فاقد ضمانت اجرا باشد (علی‌اکبری و شاکری، ۱۴۰۰: ۲۰۲).

اخلاق حرفه‌ای به‌منزله‌ی شاخه‌ای از دانش اخلاق، به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن و به مسائل و پرسش‌های اخلاقی و اصول و ارزش‌های اخلاقی یک نظام حرفه‌ای می‌پردازد. باید در نظر داشت که به طور کلی، اخلاق در جامعه بر پایه‌های احترام اجتماعی استوار شده و ضمانت اجرای آن نیز بر اخلاقیات مبتنی است، اما در خصوص وکیل دادگستری، لزوم رعایت اخلاق، به‌خصوص اخلاق حرفه‌ای، تا آن‌جاست که مطابق قوانین و مقررات موجود، ضمانت‌های اجرای سنگینی، گاه تا منع دائم از وکالت، برای عدم رعایت آن‌ها پیش‌بینی شده است.

وکالت و اخلاق

اخلاق، شاخه‌ای از فلسفه است که پرسش‌هایی راجع به اخلاق عملی را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ یعنی مفاهیمی نظیر خیر در مقابل شر، اصالت در مقابل عدم اصالت، درست در مقابل خطا و مسائل عدالت، عشق، صلح و فضیلت. اخلاق، تصمیم‌گیری درباره‌ی بایدها و نبایدهاست.

از منظر حقوق عمومی یا یک قدرت سیاسی، اخلاق گستره‌ای است که بر ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین بشری صحنه می‌گذارد و حکومت نیز با عنایت به ارزش‌های شناسایی‌شده از سوی اخلاق، بر آن دسته از ارزش‌های اخلاقی که



استقلال کانون وکلای دادگستری به این شکل بیان شده بود:

«از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی». هر نظام حقوقی مشتمل بر حقوق و مسؤولیت‌ها است و اصل توازن میان حقوق و مسؤولیت‌ها اقتضا می‌کند که زمانی که حق‌هایی چنین با اهمیت برای گروهی به رسمیت شناخته می‌شود، مسؤولیت‌هایی هم‌سنگ نیز برای آنان در نظر گرفته شود؛ مواردی که در نظام تقنینی و مقرراتی ما، از آن با عنوان «شوون وکالت» یاد می‌شود را می‌توان همان اخلاق حرفه‌ای وکالت دانست که

مقامات قضایی، کارکنان اداری و ضابطان را موظف نموده است که در برخورد با وکلای دادگستری کرامت آنان را حفظ نمایند. همچنین ماده‌ی ۲۰ لایحه‌ی استقلال کانون وکلای دادگستری، اهمیت وظیفه‌ی وکیل را چنان دانسته که برای توهین‌کنندگان به آن، ضمانت اجرای حبس تأدیبی از ۱۵ روز تا ۳ ماه را مقرر کرده است.

علاوه بر این، ماده‌ی ۷ آیین‌نامه‌ی مذکور، استقلال وکیل دادگستری در مقام دفاع را نیز به رسمیت شناخته و به هیچ مرجعی اجازه‌ی نقض این استقلال را نداده است، موضوعی که پیش از این و به منظور تأمین استقلال و امنیت شغلی وکلا در ماده‌ی ۱۷ لایحه‌ی

قانون‌گذار
به آن توجه
نموده است. «رعایت
برخی از موازین اخلاقی
در قانون راه یافته است و
ضمانت اجرا برای آن مقرر شده
است که در صورتی که وکیل از آن
تخطی نماید به سبب تخلف انتظامی به
مجازات مربوطه محکوم می‌شود» (حجازی،
۱۳۹۳: ۵۹).

بی‌شک، اعتلای نقش و جایگاه وکیل در جامعه
مستلزم رعایت ضوابط اخلاق حرفه‌ای منسجم و جامعی
در روابط اجتماعی است که عدم رعایت این ضوابط علاوه
بر نتایج منفی‌ای که در خصوص خود شخص خواهد داشت،
به‌مرور جایگاه وکالت و وکیل دادگستری را در معرض خطر قرار
می‌دهد؛ خواه این موارد در قالب شؤن وکالت دارای ضمانت اجرا
شده و خواه جدای از موارد حصرشده و فاقد ضمانت اجرا باشند. آنچه
مسلم است، مقام و منزلت و عنوان شغل وکالت یا شأن وکالت،
مستلزم یک سلسله اعمال مثبت و اجتناب از یک سلسله اعمال منفی
است که رعایت مجموعه‌ی آن‌ها، موافق شؤن وکالت و ارتکاب یا
خودداری از آن‌ها [فعل و ترک فعل] منافی با شؤن وکالت است
(کاتبی، ۱۳۵۷: ۲۶۴). اخلاق حرفه‌ای مشعل راهنمایی است که مبتنی
بر تجربیات طولانی وکلا، در تعامل با افراد جامعه، دستگاه قضایی، نظام
اداری و عموم مردم است (یوسفی‌محله، ۱۳۸۶: ۵۸).

در برخی نظام‌های حقوقی، اخلاق حرفه‌ای جایگاهی هم‌سنگ شؤن وکالت یافته و قوانین یا
نظام‌نامه‌های خاصی برای آن‌ها تدوین شده است و سازمان‌های مختلف در سطح بین‌المللی اقدام
به تدوین منشورهایی حاوی اصول و قواعد اخلاقی کرده‌اند تا به وسیله‌ی آن‌ها خطوط راهنمایی
را برای وکلا ترسیم و به آنان کمک کنند تا به هنگام روبه‌رو شدن با تعارض‌های اخلاقی توان حل
اثربخش آن‌ها را پیدا کنند (امی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲). مصوبات کمیته‌ی اخلاق حرفه‌ای اتحادیه‌ی
بین‌المللی کانون‌های وکلا، نمونه‌ای از این دست قواعد اخلاقی است. به طور کلی می‌توان اصول



اما در نظام
حقوقی ایران که
قوانین وکالتی متضمن
سامان‌دهی امور وکلا
است، تاکنون به این مهم
پرداخته نشده اما در قالب
قسم‌نامه به طور کلی به
رعایت احترامات، آداب و
سنن عرفی اشاره شده است.
هر شخصی که می‌خواهد
پروانه‌ی وکالت دادگستری را
اخذ نماید، پس از طی مراحل
قانونی مکلف است قبل از تحویل



آن، سوگند یاد کند. با دقت در متن این
قسم‌نامه که در ماده‌ی ۶۹ آیین‌نامه‌ی اجرایی
لایحه‌ی استقلال قانون وکلای دادگستری درج
شده، چندین نکته قابل توجه است:

در این موقع که می‌خواهم به شغل شریف
وکالت نائل شوم، به خداوند قادر متعال
قسم یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات
را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق
منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت
و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به
اشخاص و مقامات قضائی و اداری و همکاران و
اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام
را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی
و کینه‌توزی و انتقام‌جویی احتراز نموده و در
امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص
انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه‌ی خود
قرار داده و مدافع از حق باشم و شرافت من
وثیقه این قسم است که یاد کرده‌ام.

الف- شغل شریف وکالت

مشاغل متعددی هستند که در زمان تصدی
به آن، سوگند پیش‌بینی شده است اما در

اخلاق حرفه‌ای
وکلا و اروپایی
را چنین دسته‌بندی
نمود:

۱. احترام به اسرار حرفه‌ای
و محرمانه بودن اموری که
برعهده دارد.
۲. استقلال و آزادی کامل و تضمین‌شده
برای دفاع از موکل
۳. وقوف و جلوگیری از به‌وجود آمدن تعارض
در منافع موکلان و به همین شکل بین
خود وکیل و موکل
۴. حفظ شرافت، شأن و منزلت و پیروی دقیق
از اصول
۵. وفاداری و امانت نسبت به موکل
۶. حفظ نزاکت و انعطاف در خصوص
حق الوکاله
۷. مهارت و شایستگی حرفه‌ای
۸. حفظ احترام همکاران
۹. اجرای دقیق قواعد حقوقی و مشارکت در
روند متعالی عدالت
۱۰. خودگردانی و استقلال تقنینی

متن هیچ‌کدام از آن‌ها و در هیچ ماده‌ی قانونی یا مقرره‌ی دیگری مشاهده نمی‌شود که از لفظ «شریف» برای آن شغل استفاده شده باشد. اگرچه همه‌ی مشاغل به جای خود شریف هستند اما این تأکید قانونی، نشان از اهمیت و تأکید بر لزوم رفتار شرافتمندانه برای وکلا دارد؛ زیرا یک وکیل دادگستری به مقتضای شغل و اطلاعاتی که دارد، بیش از سایر افراد جامعه شرافتمندی را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهد.

ب- احترام به قوانین و نظامات

وکیل دادگستری در میان مردم به‌عنوان کسی شناخته می‌شود که قانون و مقررات را می‌داند؛ ازاین‌رو، به‌عنوان الگویی برای رفتار جامعه قلمداد می‌شود، پس باید همیشه قوانین و نظامات را محترم دارد و اقدامی بر خلاف یا در تعارض با آن‌ها انجام ندهد. «قبح چنین اعمالی از ناحیه‌ی وکیل مبتنی بر این اصل است که جامعه به‌حق وکیل را فردی مطلع از قانون و موازین اخلاقی مقید به آن‌ها می‌داند. بنابراین، فرض اشتباه یا ناآگاهی که از موجبات اغماض و نادیده گرفتن پاره‌ای خطاهای اخلاقی یا قانونی است، درمورد وکیل منتفی است. دامنه‌ی قلمرو رفتار منافی شؤون وکالت، حتی به زندگی خصوصی وکیل نیز قابل تسری است و قیود مربوط به شأن وکالت در هر شرایطی سایه‌وار او را تعقیب می‌نماید» (قهرمانی، ۱۳۸۴: ۲۲۵).

پ- عدالت و احقاق حق

وقتی یک بال فرشته‌ی عدالت وکیل دادگستری است، پس تلاش وی باید در همان راستا و به منظور احقاق حق باشد. چه‌اینکه یک وکیل دادگستری مدافع از حق است و پناهگاه آحاد جامعه برای جلوگیری از تضییع حقوق‌شان خواهد بود.

ت- شرافت قضاوت و وکالت

قاضی و وکیل اگرچه گاه مقابل هم قرار می‌گیرند، اما هر دو در یک مسیر قدم برمی‌دارند و مطابق قانون، در انجام وظیفه‌ی خود شأنی یکسان دارند؛ از این رو شرافت شغلی‌شان هم‌سنگ است و



باید از سوی دو طرف حفاظت شود، موضوعی که با یک اقدام یا اظهار اشتباه، ممکن است به قیمت از دست رفتن حق یا ظلمی منجر شود.

ث- رعایت احترام

یک وکیل دادگستری با طیف متنوعی از افراد در ارتباط است، از اشخاص عادی گرفته تا موکل و اصحاب دعوا و مقامات قضایی و اداری و همکاران خودش و در همه‌ی این حالت‌ها باید جایگاه خود را به‌عنوان یک وکیل در نظر بدارد و رفتاری محترمانه داشته باشد. دایره‌ی این رفتار را تا آن‌جا گسترده دانسته‌اند که در ماده‌ی ۷۸ آئین‌نامه‌ی لایحه‌ی استقلال کانون وکلا، حتی پوشش وکیل در مراجع قضایی و دولتی و محل کار مورد توجه است که باید مناسب با شأن وکیل و منزلت وکالت باشد.

ج- بی‌طرفی و استقلال

تأکیدی که بر دوری وکیل از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه‌توزی و انتقام‌جویی شده است، از آن‌جا نشأت می‌گیرد که وکیل دادگستری برای انجام وظیفه‌ی خطیری که در احقاق حق دارد باید مستقل و بی‌طرف با موضوعات شغلی مواجه شود و در کار خود به‌دور از همه‌ی گرایش‌ها و وابستگی‌های شخصی، تنها در مسیر عدالت گام بردارد.

چ- راستی و درستی

راستی و درستی وظیفه‌ی هر انسانی است، اما در وکالت چون ناظر به دو گروه رفتار شخصی و نیابتی است، این موضوع اهمیتی وافر می‌یابد و شخص وکیل دادگستری قسم می‌خورد که حتی در امور شخصی و جدا از حرفه‌ی خود نیز به این وظیفه‌ی انسانی پایبند باشد.





مشمول
عنوان تخلف از
قسم یا پدیده‌ای خلاف
شأن وکالت تلقی گردد، بلکه
به این خاطر که وکیل حرفه‌ای
همواره باید به اصول والای
اخلاق حرفه‌ای وفادار بماند تا
عنوان «وکیل مدافع»، به مثابه
فردی که حرفه‌اش دفاع از حقوق
دیگران است، بر او صدق نماید.

منابع

- امی، احمد و بهادری جهرمی، علی و فراهانی، محمدصادق (۱۳۹۸)، اخلاق حرفه‌ای وکالت دادگستری، پژوهاک عدالت، چاپ اول.
- حجازی، محمدعلی (۱۳۹۳)، تعهدات وکیل و موکل، نشر میزان، چاپ دوم.
- ساعد، محمدجعفر (۱۳۹۰) اخلاق حرفه‌ای وکالت و رابطه آن با حقوق شهروندی، ماهنامه مدرسه حقوق - شماره ۶۳ - صفحات ۷۸-۸۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۹)، نه‌ایه الحکمة، انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، جلد ۱، چاپ ۵.
- علی اکبری، رستم و شاکری، یاسر (۱۴۰۰)، اصول و قواعد حاکم بر اخلاق حرفه‌ای در شغل وکالت، مجله‌ی تمدن حقوقی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۹ - صفحات ۱۹۹-۲۱۶.
- قهرمانی، نصرالله (۱۳۸۴)، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، نشر نسل نیکان، چاپ ۲.
- کاتبی، حسینقلی (۱۳۵۷)، وکالت (مجموعه مقالات)، انتشارات آبان، چاپ ۲.
- یوسفی‌محله، ابراهیم (۱۳۸۶)، اخلاق در روابط بین وکلا، فصلنامه اخلاق در علوم و فن آوری، سال دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۳ و ۴، صفحات ۵۷-۶۴.

ح- دفاع از حق

وکیل دادگستری را به طور معمول وکیل مدافع می‌نامند، اما مدافع چه؟ بی‌شک هیچ وجدان بیداری نمی‌پذیرد که از ناحق دفاع کند؛ از این رو، مدافع حق بودن، رکن اساسی وکالت دادگستری و جزء لاینفک اخلاق حرفه‌ای وکالت به‌شمار می‌رود.

خ- «و شرافت من وثیقه‌ی این قسم است.»

زمانی که هر وکیل دادگستری پا در این عرصه می‌گذارد، شرافت خود را در پایان سوگندی که یاد می‌کند به‌عنوان بالاترین سرمایه‌ی انسانی وثیقه می‌گذارد تا قسمی را که برای آغاز شغل خود یاد کرده است، رعایت نماید؛ امری که در هیچ شغل یا قسم‌نامه‌ی دیگری به‌چشم نمی‌خورد.

نتیجه‌گیری

اخلاق حرفه‌ای وکلا بعضاً در مواد قانون و به‌ویژه آیین‌نامه‌ی لایحه‌ی استقلال قانون وکلای دادگستری آمده است اما بسیاری از ضوابط نانوشته وجود دارد که وکیل مکلف به رعایت آن است؛ نه فقط به این علت که ممکن است کاری که می‌کند یا نمی‌کند - به فرض آن که صراحتاً در هیچ ماده‌ای مأمور به آن نبوده یا از آن نهی نشده باشد -



فرهنگ سازی استفاده از وکیل

سید امیررضا کریمی سوق

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه قم

amirkarimisqu@gmail.com



چکیده

استفاده از وکیل در جهان تخصص گرای کنونی، ضرورتی است روشن و موجه، لکن متأسفانه در کشور ما، به دلایل گوناگونی که در این نوشتار متذکر آن خواهیم شد، استفاده از وکیل در امور روزمره زندگی و فرهنگ استفاده از وکیل در میان مردم، آن چنان که باید، مرسوم و معقول نیست.

در اکثر موارد، هنگامی اشخاص به سراغ استفاده از وکیل دادگستری مبادرت می‌ورزند که کار به دادگاه برای رفع نزاع کشیده شده باشد. چنین شرایطی موجب اقامه‌ی دعاوی متعدد در دادگاه‌ها، رخ دادن مشکلات پیش‌بینی نشده برای جان و مال اشخاص، تخریب وجهه‌ی عمومی حرفه‌ی وکالت و دستگاه‌های قضا و ایجاد شکاف میان جامعه‌ی حقوقی و مردم خواهد شد. کوشش شده است که از چند زاویه‌ی مختلف، مسئله‌ی مطروحه رسیدگی و تحلیل شود تا در پایان، نتیجه‌ای منطقی و بی‌طرفانه از این نوشته حاصل گردد.

کلیدواژگان: فرهنگ سازی، وکیل، تبلیغات

مقدمه

نظام نوین جهانی، مانند گذشته‌ی خویش نیست! دیگر نمی‌توان مثل ابن‌سینا، خیام، ابوریحان بیرونی، داوینچی، تالس و امثالهم، همه‌چیزدان بود و بر تمام علوم متفاوت موجود، مسلط شد و یا حتی گریزی بر آنان زد. علم حقوق نیز چنین است، حتی بدون شک می‌توان گفت که امکان تسلط بر تمام حوزه‌های تخصصی حقوق و فعالیت در آنان، چه به صورت مشاغل عملی مثل وکلا و قضات و مشاوران حقوقی، چه به صورت نظری که اساتید دانشگاه‌ها می‌باشند غیرممکن است. آیا در مخیله‌ی شما می‌گنجد که یک استاد دانشگاه، تمام دروس موجود در دانشکده‌های حقوق را تدریس کند و در آنان نیز صاحب نظر و نقاد باشد؟ یا یک قاضی قادر است در تمامی دعاوی حقوقی، کیفری، ثبتی و بین‌الملل به صورت عمیق و تخصصی رأی صحیح صادر کند؟

وکلا! اما آیا واقعا چنین امری با منع قانونی روبه‌رو است؟

با نگاهی به بند سوم ماده‌ی ۸۰ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴، واقع‌مطلب برای اشخاص روشن می‌گردد. در این ماده ذکر شده است که:



«در موارد ذیل متخلف به مجازات
انتظامی درجه ۴ محکوم می‌شود؛ ...
۳- در صورتی که به وسیله فریبنده
تحصیل وکالت نماید.»



همان‌طور که مشاهده شد، تحصیل وکالت به وسیله‌ی فریب و نیرنگ را قانون‌گذار مستوجب مجازات انتظامی دانسته است، نه تبلیغ معمولی و عادی، چیزی که امروزه بسیار مرسوم است! جناب آقای کمال رؤف، دادستان انتظامی مرکز وکلا، کارشناس رسمی و مشاوران خانوادگی قوه‌ی قضائیه در این باره متذکر شده بود که: «کسی که می‌گوید من تضمین وکالت می‌کنم یا قرار است که خودش رأی را بنویسد یا قرار است که برود به قاضی بگوید که چگونه حکم را بنویسد. این به معنای نفوذ صددرصد است. اگر راست بگوید اعمال نفوذ محسوب می‌شود که جرم است و اگر دروغ بگوید، اخذ یا تحصیل وکالت با ابزار فریبنده است. این کار تخلف است و متخلف باشد مجازات روبه‌رو خواهد شد.»

سخن ایشان درست و قابل قبول است.

از این رو، در چنین وضعیتی، تخصص‌گرایی و اشتغال به صورت خاص در حوزه‌های معین و نوظهور، ضرورت می‌یابد. اشخاص نیز، به دلیل همین محدودیت‌ها، لاجرم در هنگام مواجهه با مشکلی، سعی در استفاده از متخصص آن حوزه را دارند. وکیل دادگستری نیز چنین است. وکلا، به‌عنوان ید کمک‌کننده‌ی قاضی در کشف حقیقت و دفاع از عدالت، حیثیت و حقوق موکل، نقش به‌سزایی را در این بادی دارا می‌باشند. لکن، علی‌رغم آنچه که ذکر شد، بین مردم و وکلا، آن‌طور که باید و شاید، رابطه‌ی محکم و شایان توجهی برقرار نیست. به همین بهانه و به مناسبت روز وکیل، تحلیلی در این باره صورت گرفته که سعی در بررسی فرهنگ استفاده از وکیل را در کشورمان دارد. برای نظام‌مندتر کردن این نوشتار، سعی شده که در ابتدا به اقدامات دولت در راستای فرهنگ‌سازی استفاده از وکیل، پس از آن به بیان رابطه‌ی وکیل با موکل و در نهایت، رابطه‌ی موکل با وکیل پرداخته شود.

۱. اقدامات دولت در راستای فرهنگ‌سازی استفاده از وکیل

۱.۱. اجازه به تبلیغات وکلا

تبلیغات می‌تواند به‌عنوان بزرگ‌ترین عامل ترغیب‌کننده به خرید محصولی یا انجام کاری به صورت مستقیم یا غیر مستقیم باشد. متأسفانه در کشورمان، ایران، اجازه‌ی تبلیغ به وکلا، آن‌طور که شایسته‌ی انجام است، داده نمی‌شود. این صحیح است که شأن وکیل، که در مقام مددکار قاضی برای کشف حقیقت و برپایی عدالت چنان بالاست که کمتر کسی حرفه‌ی وکالت را به چشم یک کسب‌وکار یا دکان می‌نگرد، از همین طریق برخی می‌گویند که وکلا، بخاطر جایگاه مورد اهتمام‌شان، حق ندارند شغل و حرفه‌ی خود را تبلیغ کنند، چه این امر، بیش‌تر مناسب کاسبان است و نه

همچنین، اگر وکیلی خود را به عنوان وکیل اشخاص معروف و شرکت‌های موجود در سطح گوناگون استانی و کشوری جا بزند، مستحق مجازات خواهد بود. ماده به صورت کلی وضع شده است و قابلیت تطبیق بر مصادیق متعددی را داراست، لکن اگر وکیلی، به واسطه‌ی پرونده‌هایی که در آن پیروز شده و مدارک علمی و سابقه‌ی حرفه‌ای درخشان خویش، اقدام به جذب موکل نماید، ایشان را نمی‌توان مستحق مجازات انتظامی دانست و از شمول ماده‌ی ۸۰ آیین نامه‌ی مذکور، خارج خواهد بود. لازم به ذکر است که گاه دیده می‌شود که وکیل، در سردر



دفتر خود، استرداد حق‌الوکاله را در صورت شکست پرونده قید می‌کند. این شرط نیز بلاشکال است، چرا که شرط فعلی است مطابق با ماده‌ی ۲۳۴ قانون مدنی، و خدعه و فریبی را به همراه ندارد. به همین دلیل، «تبلیغات فریبنده» برای کسب وکالت شامل مجازات انتظامی مربوطه خواهد بود و نباید عمل وکیلی را که به صورت صحیح و قانونی و با استفاده از مندرجات علمی یا پیشینه‌ی حرفه‌ای خویش اقدام به جذب موکل می‌نماید قابل مجازات دانست.

درست است که وکلا مانند برخی مشاغل دیگر از قبیل پزشکان، اشتغالی با میزان

این مشاغل است. این رسم، از قدیم‌الایام مرسوم بوده است. قطعاً که برخی رفتارها و سخنانی که از اشخاص عادی سر می‌زند، نمی‌بایست از یک وکیل دادگستری و حقوق‌خوانده‌ی تحصیل‌کرده سرزند. شادروان بهمن‌کشاورز، رئیس اسبق اتحادیه‌ی سراسری کانون‌های وکلای دادگستری در یادداشتی متذکر شده بود: «تبلیغات برای وکلای ایران مؤکداً ممنوع است». وی هم‌چنین در ادامه چنین بیان می‌داشت که: «به موجب یک مصوبه‌ی بسیار قدیمی هیئت مدیره‌ی کانون وکلا، هرگونه تبلیغ برای وکلای دادگستری ممنوع است. این روشی است که در سیستم وکالتی انگلستان و فرانسه از گذشته‌ها به‌طور جدی وجود داشته و پیگیری می‌شده است. در ایران علاوه بر مصوبه‌ی هیئت مدیره، بند سه ماده‌ی ۱۰ آیین‌نامه‌ی لایحه‌ی استقلال مقرر می‌دارد وکیلی که به وسیله‌ی فریبنده تحصیل وکالت نماید به مجازات انتظامی از درجه‌ی سه یا چهارم محکوم می‌شود، مجازات انتظامی درجه‌ی سه به معنی توبیخ با درج در روزنامه‌ی رسمی و مجله‌ی کانون است و درجه‌ی چهار عبارت است از تنزل درجه از پایه‌ی یک به پایه‌ی دو. بنابراین تبلیغات برای وکلای ایران تا جایی که به کانون‌های وکلا مربوط است، مؤکداً ممنوع است».

دیدگاه جناب کشاورز، قابل نقد است. اگرچه ایشان به‌نوعی پدر حرفه‌ی وکالت هستند و کمتر کارآموز وکالت و وکیلی پیدا می‌شود که با نام نیک ایشان آشنا نباشد و از نوشته‌های ایشان برای یادگیری و تقویت مهارت‌های حرفه‌ای خویش بهره‌نجنسته باشد، اما آیا این نظر، در شرایط زمانی و مکانی کنونی صلاح و کاربردی است؟

در قدیم‌الایام، روابط انسانی بسیار بیش‌تر از امروزه بود. کم‌تر انسانی را می‌شد یافت که در عرصه‌ی اجتماع حاضر نباشد و با هم‌نوعان خویش اختلاط و گفت‌وگویی نداشته باشد. ضمن این‌که، در گذشته، منبع اخبار و کسب اطلاعات، انسان‌ها و روزنامه‌ها بودند. صدا البته که شأن وکیل چنان نبود و نیست که بخواهد برای به‌دست آوردن موکل،

حساسیت بالا دارند، ولیکن قیاس این‌که وکلا نیز مانند پزشکان نباید حق تبلیغ داشته باشند، به‌نظر ما، به مصلحت کنونی جامعه نیست و مضر است؛ چراکه فرهنگ استفاده از پزشک تا حد بسیار زیادی امروزه در میان مردم جا افتاده است و اکثر هم‌وطنان عزیز، در هنگام ناراحتی یا وجود درد، فوراً به دکتر مراجعه می‌کند و سریعاً به معالجه‌ی خویش می‌پردازند. لکن، مسائل حقوقی، به‌علت پیچیدگی‌های خاص حاکم بر آن‌ها و هم‌چنین، عدم اطلاع کافی و در برخی موارد اطلاعات اشتباهی که در میان عموم مردم رایج است، وضع متفاوتی را دارند. به همین دلیل، برای جلوگیری از بروز مشکلات گوناگونی که ممکن است با هر عمل شخص در اجتماع پیش بیاید، کسب مشاوره و استفاده از دانش و تخصص وکیل دادگستری برای پیش‌گیری حداکثری از بروز مسائل و اختلافات حقوقی، ضروری و عقلانی به‌نظر می‌رسد. سه قوه‌ی مقننه، مجریه و قضائیه با استفاده از ابزارهایی که در دست خود دارند، می‌بایستی در راستای تحقق این مهم قدم بردارند و آن را با تقنین، تبلیغ و ترغیب، در میان مردم کشورمان ترویج دهند. به همین جهت، از نهادها و دستگاه‌های حقوقی و قضائی و حتی خود حقوق‌دانان نیز انتظار می‌رود که مخصوصاً و تا حد ممکن به تبیین این ضرورت و فرهنگ‌سازی استفاده از وکیل بپردازند.

۲.۱. عرف خاص وکلای دادگستری

فعالان هر صنفی، غالباً به هم‌صنفی خود و به کسب‌وکاری که به آن مشغول هستند مفتخرند. این امر بسیار نیکو است و کسب روزی حلال پسندیده و بدون مشکل است. مشکل این‌جاست که برخی مشاغل به‌سبب نقش خاص و مسئولیت مهمی که در اجتماع دارند، بیش از سایر مشاغل در زیر ذره‌بین نگاه‌های مردم می‌باشند. وکالت نیز یکی از



اقدام به چاپ آگهی در روزنامه‌ها کند (هرچند که با ملاحظه‌ی ماده‌ی قانونی ذکر شده، این امر هم بلااشکال است!) و بیش‌تر، حُسن شهرت وکیل و نیک‌نامی وی بزرگ‌ترین ابزار تبلیغ وی میان انسان‌ها می‌بود.

امروزه، روابط انسانی و اجتماعی گذشته دگرگون شده است. با ظهور گوشی‌های هوشمند همراه و نسلی جدید از ارتباطات و اطلاعات، دیگر آن شیوه و روش قدیم جواب‌گو نخواهد بود. انسان مدرنِ امروزی، از آدرس گرفتن و مسیریابی در شهرها گرفته تا به مغازه رفتن، خرید کردن، نوبت گرفتن از دکتر، مسافرت و بسیاری از امور روزمره‌ی خود را با برنامه‌های تلفن همراه خود انجام می‌دهد. انسان، دیگر برای کسب اطلاعات از هم‌نوعان خویش کم‌تر یاری می‌جوید و درعوض، به دنبال یافتن پاسخ‌های سؤالات خویش و رفع نیازهای خود از طریق تلفن همراهش می‌باشد. جدای از مزایا و معایب این سبک زندگی انسانِ امروزی، لاجرم باید پذیرفت که امروزه ما این‌چنین زیست می‌کنیم.

بسیاری از وکلای جوان و حتی صاحب‌نامان عرصه‌ی وکالت نیز، فعالیت حرفه‌ای خود را مانند کثیری از اشخاص دیگر در برنامه‌های اجتماعی^۱، به‌خصوص اینستاگرام، دنبال می‌کنند. این برنامه، به‌علت رابط کاربری جذاب و حضور مداوم مردم و فعالیت در آن، به‌ویژه پس از گذر از بحران کرونا، به بستری پرطرفدار برای فعالیت و تبلیغ وکلا تبدیل شده است. به‌طوری که می‌توان گفت به‌صورت قطعی هر شخصی در دنیای

فوق، مزایای گوناگونی را به همراه خود، هم برای موکل و هم برای وکیل و جامعه خواهد آورد، از جمله این که اشخاص در معاملات و اعمال حقوقی خویش، از وکیل استفاده کرده و فعالیت وکیل تنها در دادگستری برای حل اختلاف محدود نخواهد شد. به علاوه، وکلا روزبه روز کوشش می کنند که خدمات بهتری را به موکلین و مردم ارائه دهند و فاصله ی میان وکیل و مردم کمتر شود.

در پایان، بهتر است مجدد یادی کنیم از سخن دکتر کشاورز؛ درست است که تبلیغ وکلا در کشورهای اروپایی مانند انگلستان و فرانسه ممنوع است، لکن باید توجه کرد که در کشورهای اروپایی و حتی آمریکا (که برعکس اروپا، در آمریکا تبلیغات وکیل و مؤسسات حقوقی بازار داغی را دارند!) فرهنگ استفاده از وکیل بسیار رواج دارد و مردم حتی برای قراردادهای اجاره ی ماشین و خانه از وکیل استفاده می کنند. در کشورهای مذکور، عموم مردم علاوه بر داشتن یک پزشک خانوادگی، از تخصص و تجربیات یک وکیل برای خانواده ی خویش بهره می جویند. پس بدیهی است تا زمانی که این امر در میان مردم کشورمان فرهنگ سازی نشده، باید به تبلیغ و ترویج استفاده از وکیل در جامعه پرداخت.

۲. رابطه ی مردم با وکیل

۱.۲. نگاه پسینی به استفاده از وکیل

متأسفانه همان طور که گفته شد، اکثر اشخاص، هنگامی مبادرت به استفاده از وکیل دادگستری می ورزند که مشکلشان به دادگاه کشیده شده باشد. یکی از دلایلی که باعث افزایش اختلافات و تنازع در جامعه به خاطر اعمال حقوقی می شود، همین نگاه پسینی به وکیل است که موجب بروز سه مشکل عمده خواهد شد:

اولاً، درست است که تعهد وکیل، با توجه به قانون تعهد به وسیله است، اما اکثر اشخاص، هرچه قدر هم که شانس پیروزی کمی داشته باشند،

امروزی، ساعاتی را به وقت گذراندن در این فضا صرف می کند. این امر مزایای گوناگونی نیز برای اکثر مشاغل، به خصوص وکلا به همراه دارد، از جمله این که وکیل به راحتی می تواند سوابق و رزومه ی حرفه ای خویش را در آن نشر دهد، از نمونه ی پرونده های موفق خویش یاد کند و نکات حقوقی گوناگونی را نیز به مخاطبین غیر حقوقدان خویش گوشزد کند که در نوع خود می تواند گام مهمی در راستای تبلیغ و فرهنگ استفاده از وکیل باشد.

در این باره، وکلا باید آداب شأن حرفه ای استفاده از این برنامه را رعایت کنند. بدیهی است هر ادعایی که در صفحات مجازی و وبلاگ های مربوطه ی وکلا و مؤسسات حقوقی شود به آنان منتسب خواهد بود. برای مثال، اگر وکیلی در صفحه ی اینستاگرامی خود، ادعاهای فریبنده مطرح کند و سطح علمی و موفقیت های خود را بیش از حد واقع نشان دهد و از آن راه اقدام به جذب موکل کند، قابل تعقیب انتظامی است. هم چنین، در فرضی که وکیل مربوطه، دنبال کنندگان صفحه ی اینستاگرامی خویش را با تقلب افزایش دهد، به نظر نگارنده، این امر نیز در صورت به اثبات رسیدن قابل مجازات انتظامی است؛ چرا که در فضای مجازی، هنگام بررسی اعتبار شخص، عمده ی افراد چشم به میزان دنبال کنندگان وکیل خواهند داشت و به همین علت، اگر افزودن تعداد قابل توجهی دنبال کننده ی غیر واقعی^۲ باعث ترغیب مردم به اخذ وکیل یادشده گردد، در صورت اثبات، وکیل از لحاظ انتظامی قابل تعقیب خواهد بود.

با توجه به مجموع آنچه که گفته شد و با ورود به برهه ی تاریخی خاصی که اکنون در آن زندگی می کنیم، تبلیغات وکیل و فعالان حقوقی در وبسایت ها و برنامه های اجتماعی با رعایت نکات مربوطه، نه تنها بلامانع است، بلکه فواید و کاربردهای متعددی نیز بر آن مترتب است و موجب فرهنگ سازی استفاده از وکیل میان عموم مردم خواهد شد. تبلیغات



باز از وکیل، انتظار کسبِ بهترین نتیجه را در دادگاه دارند. این نگاهِ اشتباه و غیرمنطقی به وکلا باعث ایجاد فاصله و شکاف میان این دو گروه در جامعه خواهد شد و برای وجهه‌ی عمومی حرفه وکالت مخرب است.

ثانیاً، بسیاری از این اختلافات و دعاوی می‌تواند با استفاده از وکلا در مقام انعقاد قرارداد یا انجام سایر اعمال حقوقی، پیش‌گیری شود و این امر سبب کاهش حجم پرونده‌های ارجاعی به دادگاه خواهد شد.

ثالثاً، با گذشت زمان، این روند موجبِ از بین رفتنِ «قبح اقامه‌ی دعوا در دادگاه» خواهد شد و اشخاص، حتی با بروز کوچک‌ترین اختلافی، بدون تلاش و کوشش برای رفع اختلاف مربوطه از طریق گفت‌وگو یا سازش و سایر روش‌های نوع‌دوستانه، سعی در گرفتن حق خود و احقاق آن به‌وسیله‌ی دادگاه خواهند نمود. این اثر شاید با نگاهی ساده محسوس نباشد، ولی با تفکر و آینده‌نگری، خواهیم یافت آثاری که این روند بر جامعه می‌گذارد نیز، به طور غیر مستقیم، مخرب خواهد بود و اعتماد عمومی مردم را به یک‌دیگر سلب و حجم اقامه‌ی دعاوی را در دادگاه زیاده‌تر خواهد کرد.

موکل باید اعتماد خویش را به وکیل ابراز دارد و بالعکس آن نیز باید باشد. در این بین، موکل باید این آگاهی را داشته باشد که تعهد وکیل، تعهد به وسیله است و وکلا نیز، تا حد امکان باید در حفظ حقوق موکل خویش بکوشند که در غیر این صورت، تقصیر ایشان حسب مورد قابل تعقیبِ انتظامی و کیفری خواهد بود.



۲.۲. حق الوکاله؛ مشکل اصلی مردم

با پرسشی ساده از عموم مردم، متوجه خواهید شد که یکی از عمده‌ترین دلایلی که مردم از وکیل استفاده نمی‌کنند، دریافت حق الوکاله توسط وکلا است. جدا از مبلغ آن، باید این درک نیز حاصل گردد که یک وکیل حداقل چهار سال از عمر و جوانی خود را میان کتب حقوقی سر کرده و رنج و مشقت‌های سنگین کشیده تا توانسته به این جایگاه برسد و به حرفه‌ی وکالت مشغول شود. این حق قانونی و شرعی وکیل است که در قبال خدمات خود، مبلغی را دریافت کند. عموماً از دید مردم، استفاده از وکیل هزینه‌های سنگینی را متوجه آن‌ها خواهد کرد. اما جدای از این که عده‌ی خاصی از وکلا، حق الوکاله‌های

سنگینی اخذ می‌کنند، هستند اشخاصی که علاوه بر مشاوره‌ی حقوقی رایگان به مراجعه‌کنندگان خویش، در بعضی مواقع، داوطلبانه وکالت مجانی موکلان را برعهده می‌گیرند و سعی در حل مشکلات مردم دارند. برخی بر این گمان‌اند که با طرح تسهیل وکالت و افزایش کمی تعداد وکلا، می‌توانند این مشکل مردم را حل کرده و مبالغ حق الوکاله‌های دریافتی را توسط وکلا پایین بیاورند که جدای از مزایا و معایب طرح تسهیل که نقد آن در این نوشته نمی‌گنجد و نابه‌جاست، چاره فقط در افزایش کمی تعداد وکلا نیست، بلکه کمیت و کیفیت هر دو باید باهم افزایش یافته تا مردم علاوه بر کاهش هزینه‌ها، از خدمات این قشر متخصص هم بهره‌مند گردند.

جمع‌بندی

همان‌طور که متذکر شدیم، در کشور ما و در شرایط کنونی، فرهنگ استفاده از وکیل آن‌طور که مناسب و شایسته‌ی این حرفه است، ترویج نشده و باید در این زمینه گام‌هایی محکم و بنیادین برداشته شود تا چنین امری محقق شود. برای تحقق آن، وکلا باید برخلاف گذشته، مجاز به تبلیغ باشند و قوه‌های سه‌گانه می‌توانند با تعاون و یاری خود، در این راستا اقدامات مهمی را انجام دهند؛ از جمله به اجازه به تبلیغات صحیح وکلا و نظارت بر آنان، ترویج فرهنگ استفاده از وکیل با تبلیغات گسترده در تلویزیون، بنرهای موجود در سطح شهر و پیامک‌های همگانی از سوی قوه‌ی قضائیه جهت افزایش آگاهی جمعی و ترغیب مردم به استفاده از وکیل. این موارد، می‌توانند تأثیر به‌سزایی در ترویج فرهنگ استفاده از وکیل در سطح کشور داشته باشند. علاوه بر آن، مردم نیز، نباید به وکیل به دیده‌ی یک نجات‌دهنده‌ی غایی بنگرند و می‌بایست قبل از این که تنازع و اختلافی پیش بیاید، در امور و اعمال حقوقی روزمره‌ی خویش از مشورت و مدد آنان بهره جویند. وکلا نیز باید در راستای حل مشکلات مردم گام برداشته و در صورت امکان، اولویت اول آنان، حل اختلاف طرفین دعوا از طریق راه‌های نوع دستانه‌ای چون صلح و سازش باشد و در انتها، طرفین را به اقامه‌ی دعوا در دادگاه دعوت کنند. هم‌چنین، حق الوکاله به‌عنوان یکی از مشکلات اصلی مردم در جهت استفاده از وکیل است که خود وکلا با به‌دید مسامحه نگرستن به آن، می‌توانند به یاری مردم شتابند و مشکلی را از زندگی مردم حل کنند، چرا که شرافت عرصه‌ی وکالت، مغایر است با صرف نگاه ابزاری و معامله‌ای به مردم و موکلین برای کسب درآمد. امید است که این متن، کمکی به جامعه‌ی حقوقی و وکلا جهت قدم‌برداری در این مسیر کرده باشد.



رابطه مقررات انتظامی با اخلاق حرفه‌ای در وکالت

محمد عارف قلی‌پور

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق مالی-اقتصادی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

mohammadarefgholipour@gmail.com



ادامهٔ حیات یک جامعه، منوط به شناخت مفاهیم ارزشمندی همچون قانون و اخلاق است: قانونی که عدالت را تأسیس کند و به افراد احترام و حیثیت بخشد و اخلاقی که به حفظ ارزش‌ها پرداخته و موجب رونق و تکامل گردد. این مفهوم حاوی نوعی امر و نهی است. اخلاق، در ملازمهٔ با مشاغل، مؤثر واقع شده و تحت عنوان اخلاق حرفه‌ای مطرح گردیده است. اخلاق حرفه‌ای، مجموعهٔ هنجارهایی است که جهت حفظ ارزش‌های یک حرفه، می‌بایست منطبق با قواعد آن رفتار شود. این نوع رفتار درونی، تضمین‌کنندهٔ شئون حرفه است. اخلاق حرفه‌ای ضوابطی را در موارد مختلف ارائه می‌دهد که رعایت آن توسط مشاغل، موجب احترام و اعتماد اعضای جامعه به آن حرفه می‌شود. ضوابط اخلاق حرفه‌ای، به‌عنوان یک نظام هدفمند، در پی حفظ ارزش‌ها می‌باشند.

نهاد وکالت که خود، پاسدار قانون است، به‌ضرورت احوالات ناهمگون، مستلزم رعایت بالاترین سطح استانداردهای اخلاقی، جهت انجام وظایف بنیادین خود است. به دلیل اهمیت موضوع، منشورهای اخلاقی توسط کانون‌های وکلا در کشورهای گوناگون دیده می‌شوند که از رهگذر معرفی قواعد اخلاقی و مشخص نمودن مسئولیت‌های حرفه‌ای آنان، در واقع در پی الزام وکیل به حفظ شأن حرفه‌ای در جهت دستیابی به سطح بالای اعتماد عمومی و احترام به حرفهٔ وکالت می‌باشند. همانطور که در منشور اخلاق حرفه‌ای وکالت مصوب ۱۳۹۹/۴/۱۰ آمده است: «منشور اخلاق حرفه‌ای وکالت نقشهٔ راهی برای نیل به ارزش‌های والای اخلاقی است و اصول و معیارهایی را برای سنجش درستی یا نادرستی رفتار وکلا، بر اساس سوگندی که هنگام اخذ پروانهٔ وکالت یاد می‌کنند، ارائه می‌دهد.»

در متون منشورهای اخلاقی، آیین‌نامه‌ها، کدها و... کانون‌های وکلای کشورهای مختلف، مؤلفه‌هایی به‌عنوان «اصول اخلاق حرفه‌ای» تدوین





قانون‌گذاران، گاهی با قوانین انضباطی، سعی در جلوگیری از بروز رفتارهای خلاف استانداردهای تعیین‌شده داشته‌اند. در حرفه وکالت نیز مانند سایر مشاغل حقوقی مقرراتی به تصویب رسیده است که عدم رعایت آن‌ها، تخلف انتظامی محسوب می‌گردد.

با تدقیق در قوانین و مقررات مربوط به حرفه وکالت، از جمله قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵، آیین‌نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶، آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ (منسوخ‌شده) و

گشته‌اند. در این بین، اصولی چون استقلال، صداقت، امانت‌داری، شرافت، حفظ اسرار حرفه‌ای، آزادگی، شجاعت، عدالت، سلامت مالی، علم و دانش، وقت‌شناسی، انضباط، رازداری، رعایت مصلحت موکل، رعایت حرمت موکل و محاکم، اطلاع‌رسانی صحیح به موکل و... از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین موارد می‌باشند.

به طور کلی، اخلاق حرفه‌ای، متکی بر اصول خاصی است؛ اصولی که به‌عنوان قواعد الزام‌آور برای حفظ اعتبار یک حرفه، لازم است که رعایت شوند. در این راستا



وکالت است»، می‌توان اشاره داشت که مکرراً مورد تأکید قرار گرفته است. البته این امر دامنۀ وسیعی را دربرمی‌گیرد. مطابق تبصره ماده ۱۲۴ لایحه مصوب ۱۴۰۰/۰۴/۰۲، رفتار خلاف شئون وکالت عبارت است از فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون جرم بوده و یا موجب وهن جامعه وکالت و یا مغایر عرف مسلم آن باشد، به نحوی که اغلب وکلا آن را مذموم بدانند. در عین حال، غیر از این عنوان کلی، مواردی نیز مشخصاً با ذکر عنوان، تصریح گشته‌اند: مواردی چون خیانت وکیل و تبانی با طرف موکل، عدم

آیین‌نامه اجرایی لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰/۰۴/۰۲؛ و با بررسی مقررات بخش انتظامی و تکالیف مصرح برای وکلا و ضمانت‌اجراهای آن‌ها، می‌توان بیان داشت که اقدامات بسیاری که قانون‌گذار آن‌ها را تخلف دانسته است -علی‌الخصوص در لایحه مصوب ۱۴۰۰/۰۴/۰۲- اقداماتی هستند که جنبۀ غیراخلاقی دارند و قانون‌گذار بدین وسیله با ضمانت اجرا، به آن‌ها جنبۀ حقوقی بخشیده است. با این نگرش، ابتدا به‌صورت کلی، به «عدم ارتکاب اعمال و رفتاری که خلاف شئون و حیثیت

رعایت احترام و نزاکت، عدم افشای اسرار موکل، امنیت اخلاقی در دفتر کار، اجتناب از درج شروط اخلاق حسنه و یا شروط غیرمعارف در قرارداد وکالت، رعایت مصلحت موکل، رازداری، عدم ارائه مشاوره به طرف دعوای موکل در موضوع پرونده، خودداری از تبلیغ سوء علیه سایر وکلا، قضات و دیگران، خودداری از انجام اقدامات عمدی به منظور اطاله دادرسی، ارتباط غیراداری با قضات و مواردی از این قبیل. البته لازم به ذکر است که در باب تخلفات به موارد دیگری نیز می‌توان اشاره داشت؛ لکن جنبه اخلاقی ندارند؛ مانند تکالیف شغلی وکلای دادگستری، همچون تکلیف به تمديد پروانه و...

در نتیجه می‌توان بیان نمود که حرفه مقدس وکالت، خود، استوار بر موازین اخلاقی است و هدفی که پیگیری می‌کند، همانی است که اخلاق به دنبال دارد. همچنانکه قانون به دنبال عدالت است، عدالت، خود، یکی از اهداف اخلاق است. این درهم تنیده بودن، این ارتباط عمیق را به وجود آورده و موجب آن شده است که مقررات حرفه وکالت، تخلفات انتظامی و اخلاق حرفه‌ای هم‌پوشانی داشته باشند.





وکالت تخصصی

نیما جلیوند شیرخانی تبار

فارغ التحصیل کارشناسی حقوق از دانشگاه شهید بهشتی

nima.j.sh.t@gmail.com



چکیده

امروزه با پیشرفت چشمگیر و روزافزون دانش بشری در تمامی حوزه‌ها شاهد گستردگی همراه با سرعت هر چه بیشتر مسائلی بدیع هستیم. به گونه‌ای که هر حوزه و موضوعی خاص، که سابق بر این یک دانش و علم کلی محسوب می‌شد، خود به دانشی مستقل با شیوه مطالعاتی و منابعی جدا و وسیع تبدیل شده است.

علم حقوق نیز از این گستردگی وسیع در امان نبوده و مفهوم علم حقوق که سابقاً محدود به موضوعاتی که «گرایش» نامیده می‌شدند بود، به «دانش»‌های کوچک اما مهم و خاص، همراه با حفظ اصالتی که از همان علم حقوق در مفهوم سنتی با خود به همراه دارد، تبدیل گشته است. درخت اعجاب‌انگیز و تنومندی که با آبیاری و نگهداری نعمت تفکر در انسان رشد کرده و گویی هر شاخه از آن خود به بلوغ مستقل با حفظ ریشه واحد رسیده و شاخه‌های بزرگی را به وجود آورده که این شاخه‌ها در عین ارتباط نزدیک باهم، هرکدام منظره‌ای جدا و زیبا را برای کسی که بر آن شاخه نشسته به ارمغان آورده است. نمودهای ظاهری علم حقوق که در اینجا از آن‌ها به عنوان «مشاغل حقوقی» یاد می‌شود نیز لاجرم دستخوش همین تغییرات شده و رفته‌رفته رنگ مفهوم سابق خود را از چهره زدوده و طرحی نو درانداخته است.

مقدمه‌ای که بیان شد سیمای کلی از درک وضعیت فعلی برای بحث در خصوص یکی از همان نمودهای ظاهری این علم به نام «خدمت وکالت» بود.

با گسترش موضوعات حقوقی که در گذشته بی‌سابقه بوده و در زندگی عادی انسان نفوذ کرده و به نیاز مبرم انسان‌ها بدل گشته، یکی از مواردی که حقوق باید برای آن پاسخ روشن و راه‌حلی همه‌جانبه ارائه دهد، لاجرم خدمت وکالت است. مفاهیم حقوقی‌ای که ابنای بشر در این زمان با آن روبه‌روست، پیچیدگی خاص و منحصری دارد که نمی‌توان برای راه‌حل آن به مانند سابق عمل کرد. همانطور که بر همگان روشن است، در کشور ما، مانند اکثر کشورهای دارای



نظام دادرسی یکپارچه و معقول، همه‌ساله تعدادی وکیل جذب و معرفی می‌شوند که به مثابه بازوی دیگری در بسط عدالت نسبی می‌باشند.

در نظام دادرسی کشور دو نهاد متولی جذب و آموزش وکیل وجود دارد. چرایی وجود دو نهاد، ارتباطی با موضوع بحث نداشته ولیکن هر دو نهاد مسئولیت این امر خطیر را بر عهده دارند. با نگاهی به سازوکار جذب و به‌کارگیری وکیل به خوبی می‌توان دریافت که ایراد از همین ابتدا شروع شده و تعداد وکلای متخصص واقعی بسیار اندک و در همان حد نام باقی مانده است.

واقعیت انکارناپذیر امروز در علم حقوق، یک وکیل دادگستری را که سعی بر آن دارد تا در همه زمینه‌ها فعالیت داشته باشد همچون

اقیانوسی در خود فرومی‌بلعد؛ به‌گونه‌ای که نه تنها خدمتی به تحقق عدالت نکرده بلکه با نقصانی که در پرونده‌های جاری ایجاد کرده ضربه‌ای مهلک به پیکره آن وارد می‌سازد که تبعات بی‌شماری را که کمترین آن ناامیدی آحاد مردم نسبت به تظلم‌خواهی خود می‌باشد به دنبال دارد. برخلاف روند فعلی نظام وکالت و جذب و آموزش افسارگسیخته و نه چندان قوی وکلای غیرمتخصص که همانند پزشکی با دانستن عمومات علم طب فعالیت می‌کنند؛ کسب تخصص امری‌ست که گریز و گزیری از آن نخواهد بود.

همین‌جا باید گفت که مراد از تخصص، صرف اشتغال و اتمام تحصیلات تکمیلی نبوده، چراکه همان‌طور که در مقدمه گفته شد، مفهوم تخصص بسیار وسیع‌تر و پیچیده‌تر از



نیاز به تربیت وکلای متخصص، علی‌رغم دیرهنگام بودن و نقاط ضعف بسیار آن، توسط هر دو نهاد متولی جذب وکیل در حال انجام است ولیکن این نوع نگاه به تربیت وکیل متخصص به قدری ضعف دارد که گویی اصلاً درخور توجه نمی‌باشد. به عبارتی دیگر، موضوع وکالت تخصصی در حد برگزاری کلاس‌های سطحی و اعطای گواهینامه‌ای در این خصوص مغفول و محجور باقی مانده که چاره‌اندیشی مناسب برای رفع آن را لازم و ضروری می‌کند.

همچنین از جانب قوای حاکمیتی نیز اقداماتی صورت گرفته که رسیدن به جایگاه وکالت، مخصوصاً موضوع تخصص وکیل را با اشکال عمده روبرو کرده که از جمله آن، می‌توان به کسب‌وکار دانستن وکالت از

گرایش‌های سنتی موجود در تحصیلات تکمیلی می‌باشد. به عنوان مثال، تنظیم دادخواست و تظلم‌خواهی در دعوای رفع تصرف عدوانی که البته خود نیز از شاخه دعوای ملکی و تخصصی جداگانه است، بروکلای زیادی میسر است؛ اما آیا چاره‌جویی در خصوص اختلاف در بند محرمانگی یک قرارداد بین‌المللی که طرف مقابل با طرف ایرانی مطرح کرده نیز میسر است؟

از طرفی دیگر، در آن سو، شاهد تخصصی شدن محاکم رسیدگی به اختلافات می‌باشیم که احیای محاکم تجاری هرچند بسیار دیر و علی‌رغم نقص‌های بسیار، گواهی بر این مطلب است که این دعوای با شاخه‌های وسیع خود نیاز به حضور وکیل آشنا و مسلط به دعوای تجاری را پررنگ می‌کنند.

دانشگاه‌های متعدد با تعداد بالایی از دانشجویان مواجهیم که این امر، خود اگرچه مطلوب است ولی باید به صورت حساب‌شده مدیریت شود. به نظر می‌رسد در بحث آموزش علم حقوق، این رشد قارچ‌گونه دانشگاه‌ها که خود به بحرانی تبدیل شده است، برگزاری مقطع لیسانس به شیوه دقیق‌تر سه‌ساله و برگزاری دو نیم‌سال تحصیلی معادل یک سال دیگر در بحث آموزش «واقعی» تخصص و علاقه‌مندی دانشجویان به موضوعات علم حقوق، در آینده مشاغل حقوق امری اجتناب‌ناپذیر است.

در بُعد نهاد وکالت نیز بدون اطاله و تعارف در کلام باید دستی بر سر و روی اندیشه‌های سابق کشید و آموزش جزئی و نه کلی تخصص را به شکل سیستماتیک و مفید که ادامه همان یک سال مقطع کارشناسی می‌باشد را طی کرد. زیرا که، همانگونه که کانون وکلا مسئول اشتغال تمامی فارغ التحصیلان

حقوق نبوده، مسئول آموزش ابتدایی تحصیلات آکادمیک نیست و از نهادی خودگردان

و مستقل نمی‌توان انتظار

اعمال حاکمیتی کلان

را داشت. متأسفانه

مدیریت کلان کشور

در بحث مساعدت به

تمامی علاقه‌مندان

رشته حقوق، به عبای

کانون‌های وکلا چنگ

زده است. حال آن که

کانون‌ها اساساً وظیفه

و توان کلان در حد آموزش

دانشگاهی را ندارند. کانون‌ها باید

با بازنگری، در بحث آموزش تخصص و

نه الفبای حقوق گام بردارند.

یکی دیگر از اقداماتی که مخصوصاً در

سوی مجلس قانونگذاری و وزارت اقتصاد و تصویب قانونی موسوم به «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» و بار نمودن آن بر خدمت شریف وکالت اشاره کرد. همین دو اقدام یادشده برای اضمحلال نهاد وکالت و زدودن احساس عدالت که مهم‌تر از خود عدالت است در نظر مردم کافی است.

اما راهکار چیست؟

با دقت نظر در سیستم‌های دادرسی (به مفهوم اعم) و نظام وکالت (به مفهوم اخص) که در کشورهای متمدنی امروز شاهد آن هستیم درمی‌یابیم که در آن کشورها موضوع وکالت تخصصی به شکل جدی‌تر و همه‌جانبه‌تری در حال پیگیری و انجام است که به حق، نتایج قابل‌توجهی نیز در پی داشته است.

با نگاهی گذرا به نظام وکالت کشور فرانسه که نگارنده نیز با آن آشنایی دارد، می‌توان نتیجه گرفت که قاعده برخورداری از وکیل متخصص در حد نام باقی نمانده و این اقدامات از جانب وکلا در بین مردمان آن کشور رسوخ و نفوذ ملموسی داشته است.

البته خوانندگان محترم باید این نکته را بدانند که راه‌حل‌ها برای این موضوع در بین حقوقدانان و اساتید دلسوز خودمان صرفاً برداشت خشک و کورکورانه نبوده و قطع به یقین باید با آیین وکالتی ما همسو و هم‌جهت باشد.

در اولین اقدام، با توجه به ظاهر مذاکرات و استدلالات قوه مقننه به نظر می‌رسد آنان نیز هرچند ضعیف و ناقص به درک لزوم استفاده از وکیل متخصص نائل آمده‌اند که به نظر می‌رسد باید با استدلال و مذاکره مؤدبانه و بدون پرخاش و تخریب به این درک و فهم الزامی کردن وکالت در کشور برسند.

از سویی دیگر در قسمت آموزش علم حقوق در دانشگاه‌ها، ما با افزایش چشمگیر



نظام‌های وکالتی جهان به‌ویژه در فرانسه مرسوم و متداول است بحث مؤسسات حقوقی است که متأسفانه در این امر هم عملکرد ضعیف در کشور ما به‌وضوح قابل مشاهده است. سخن از مضرات و اقدامات اکثر قریب به اتفاق مؤسسات حقوقی نیز خود مصیبت‌نامه‌ای جدا را می‌طلبد. در فرانسه به‌ندرت بحث وکالت کلاسیک و فردگرایی وجود داشته، به نحوی که خیل عظیمی از وکلای آنجا در قالب مؤسسات حقوقی که هدف اولی آنان نه ثروت‌اندوزی و کارچاق‌کنی بلکه تحقق عدالت و ارائه خدمات بهتر به شهروندان می‌باشند به ایفای نقش می‌پردازند.

با مدیریت و تشویق و نظارت همه‌جانبه بر این مؤسسات می‌توان در آنان وکلایی که تخصص و سررشته هر قسمت از این اقیانوس بیکران را دارا هستند به خدمت گمارد تا قطع به یقین، دردسترس بودن وکیل برای همه اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر در حد یک شعار عوام‌فریبانه باقی نماند.

نتیجه

یکی از ملزومات احیای نهاد وکالت که همانا به‌مثابه خون در پیکره نظام قضایی و عدالتی ماست و جان نیز به نعمت خون پاک درون رگ‌هایش زنده است؛ بی‌شک همین بحث تخصص وکیل می‌باشد. این سخن که امروزه از هر سمت و سو موانع داخلی در این مسیر وجود دارند و همچنین انزوا از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم که سایه آنان بر تمامی فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... احساس می‌شود، سخنی به‌غایت درست اما موقتی‌ست. روزی که فعالیت‌های بی‌شمار اجتماعی و اقتصادی و تولد مفاهیم جدیدی که قانون لاجرم مجبور به پاسخگویی و چهارچوب‌بندی آن‌هاست به چندبرابر امروز برسد، آن روز حقوقدانان و وکلای جوان امروز که صرف دانستن عمومات را کافی می‌دانستند، نه تنها خدمتی به میهن و مردم نمی‌کنند، بلکه خود همچون مانعی بر سر تحقق عدالت خواهند بود که لاجرم به انزوا خواهند رفت.

بر این مؤسسات می‌توان در آنان وکلایی که تخصص و سررشته هر قسمت از این اقیانوس بیکران را دارا هستند به خدمت گمارد تا قطع به یقین، دردسترس بودن وکیل برای همه اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر در حد یک شعار عوام‌فریبانه باقی نماند. درخصوص وکلا و دانشجویان حقوق نیز که مهم‌ترین عنصر این جدول هستند باید گفت آنان نیز باید در تلاش برای یادگیری همه‌جانبه یکی از ابعاد و یا ساحل‌های زیبای این اقیانوس باشند. البته همین‌جا باید گفت که ایشان در صحبت‌های خود بارها به بحث ناامیدی و وجود محدودیت‌ها و موانعی اشاره می‌کنند که الحق عمده سخنانشان با واقعیت امروز تطابق دارد. مع‌الوصف، بدون ایجاد احساس





مترجم: مهدی فهیدی

کارآموز وکالت دادگستری و دانشجوی
کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شیراز
m.fahidi77@yahoo.com

وکالت در دنیای متاورس



مترجم: دنیا سرقلی

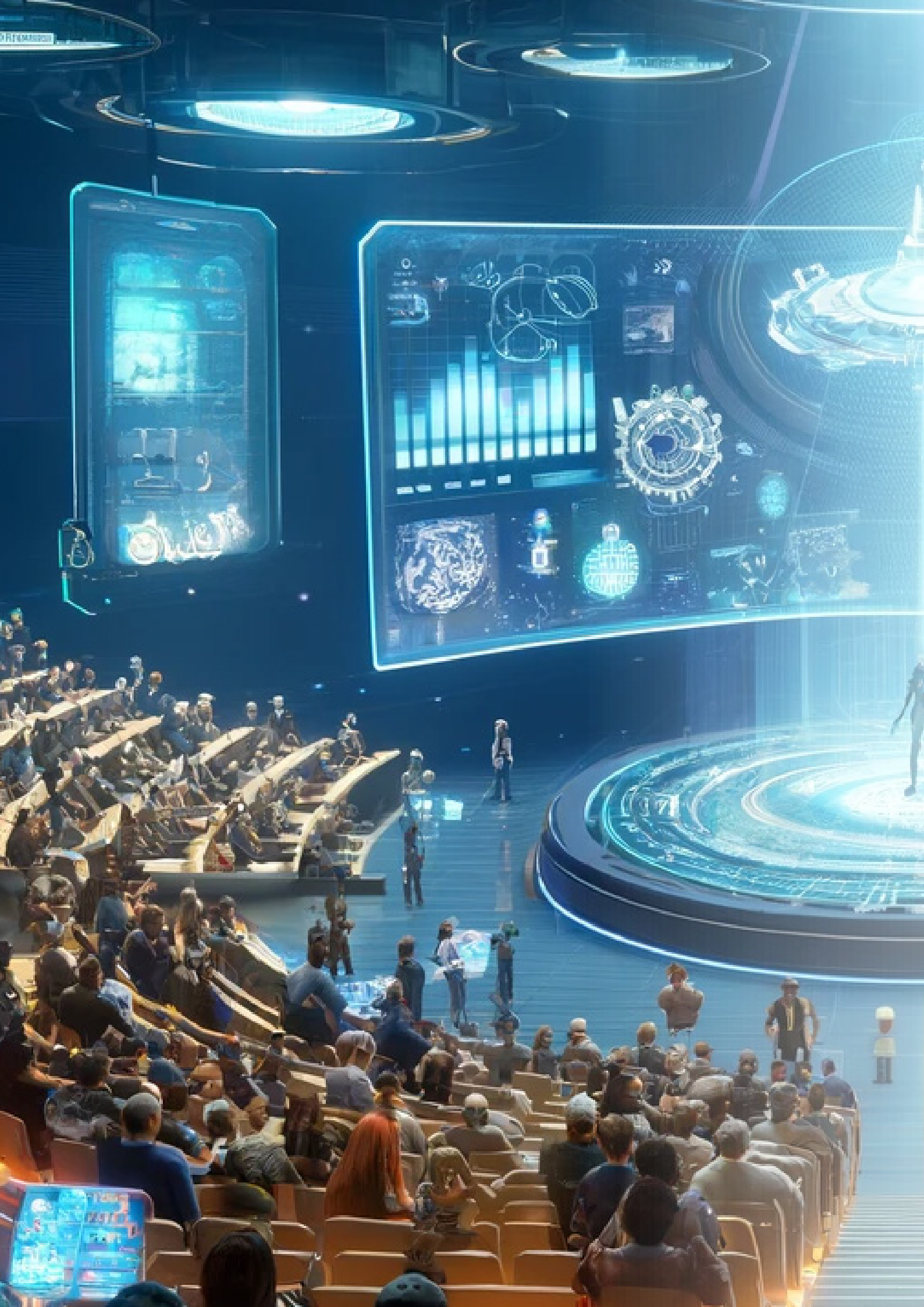
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل
دانشگاه شیراز



پیش گفتار مترجمان

در سال‌های اخیر، تعاملات مجازی به بخش مهمی از زندگی همه‌ی مردم تبدیل شده است که این روند در طول همه‌گیری کووید ۱۹ بسیار سرعت گرفت. اخیراً، علاقه‌مندی به تعاملات مجازی بر روی «متاورس» متمرکز شده است و شرکت‌های بزرگ، ادعاهای متفاوتی در این زمینه مطرح کرده‌اند. صحبت درمورد دنیای متاورس در سال ۲۰۲۳، چیزی شبیه به بحث درمورد قابلیت‌های اینترنت در دهه ۱۹۶۰ می‌باشد و در حال حاضر چیزی بیش از یک ایده به سرعت در حال تکامل و رشد نیست. اگرچه هیچ تعریف واحدی از متاورس وجود ندارد، اما مفهوم متاورس به مهاجرت تجربه‌های مختلف انسانی، از دنیای فیزیکی به دنیای مجازی اشاره می‌کند. به زبان ساده‌تر، متاورس قادر خواهد بود که شما را به هر مکان و هر زمانی که می‌خواهید ببرد؛ درست مانند آنچه که در کتاب‌ها، فیلم‌ها و بازی‌ها به تصویر کشیده می‌شود. هدف نگارنده این مقاله، بررسی و سوق خوانندگان به مسائل و چالش‌های حقوقی است که تا به حال به آن فکر نمی‌شد. به دلیل نوین بودن این مبحث، با کمبود منابع ترجمه‌شده و حتی انگلیسی‌زبان مواجه هستیم، لذا باید منتظر اخبار و اتفاقات جدید این حوزه در آینده باشیم.

«شرکت ArentFox که جزو ۲۰۰ شرکت برتر رده‌بندی شرکت‌های حقوقی آمریکاست، اخیراً زمینی را در دیسترتالند (یکی از پلتفرم‌های پذیرنده پروژه متاورس)، به منظور تأسیس دفتر حقوقی خریداری کرده است.» اگر به زعم شما، شرکت فوق‌الذکر، کار بیهوده‌ای انجام داده است، پس هنوز با قابلیت‌ها و توانایی‌های دنیای متاورس آشنا نشده‌اید!



متاورس چیست؟

متاورس قلمرو نوظهور و درحال رشد فضای مجازی است که در آن افراد، نهادها و اشکال مختلف هوش مصنوعی، در بازی‌ها، ورزش‌ها، سرگرمی‌ها و حتی امور آموزشی باهم تعامل خواهند داشت و کالاهای خدمات «دنیای واقعی» و یا «متاورس» را خرید و فروش می‌کنند. پس پیش‌بینی بروز اختلافات حقوقی، درست مانند آنچه در زندگی واقعی اتفاق می‌افتد، دور از ذهن نیست. متاورسی که در حال حاضر توسط افرادی مانند مارک زاکربرگ (مالک فیسبوک)^۲ برای ما تصویرسازی شده است، ترکیبی از پیشنهادهای و تجربیات، واقعیت‌افزوده (AR)^۳ و واقعیت‌مجازی (VR)^۴ خواهد بود. در حال حاضر مردم برای بازی کردن، شرط‌بندی در کازینوهای مجازی، خرید و فروش کالاهای شرکت در کلاس‌های آموزشی، شرکت در نمایشگاه مد یا افتتاحیه گالری‌ها، قرار ملاقات با افراد دیگر، و به طور کلی برای فرار از اتفاقات کسل‌کننده جهان واقعی، از متاورس استفاده می‌کنند.

آیا وکلا می‌توانند جهان متاورس را نادیده بگیرند؟

بسیاری از وکلا سعی خواهند کرد که متاورس را نادیده بگیرند، اما این یک رویکرد کوتاه‌بینانه است؛ چرا که مردم، پتانسیل رشد نامحدود این قلمرو جدید را نادیده نخواهند گرفت. یکی از دلایل اصلی‌ای که شرکت ArentFox تصمیم گرفت کسب و کار خود را در دیسنترالند گسترش دهد، این بود که چندین مشتری اصلی آن، از جمله PwC^۵ (PricewaterhouseCooper)، ادعاهایی جدی در مورد حضور در این فضای جدید مطرح کرده بودند.

چه نوع مشکلات حقوقی‌ای در متاورس به وجود خواهد آمد؟

پیش‌بینی می‌شود که جهان متاورس، می‌تواند تقریباً هر نوع فعالیت مشروع یا مجرمانه انسانی را در خود جای دهد؛ بنابراین مشکلات حقوقی متنوعی می‌تواند در این جهان ظهور پیدا کند. البته باید توجه داشت که هرچند وقوع قتل‌های واقعی، ضرب و جرح، آسیب‌های بدنی و یا ادعای تخریب اموال از یک رویارویی صرفاً مجازی در متاورس قابل تحقق نیست، اما حداقل می‌تواند زمینه‌ساز بروز آن در دنیای واقعی باشد!

۲. جالب است بدانید که فیسبوک در اکتبر ۲۰۲۱ نام شرکت خود را به «متا» تغییر داد.

۳. واقعیت‌افزوده تکنولوژی‌ای است که اطلاعات یا تصاویر دیجیتال را با آنچه که کاربر در جهان واقعیت می‌بیند درهم می‌آمیزد.

۴. واقعیت‌مجازی یک شبیه‌سازی کامپیوتری، از واقعیت است که سعی در ایجاد یک واقعیت خیالی به جای دنیای واقعی دارد.

۵. شرکت (PwC) یک شرکت چندملیتی است، که در زمینه مشاوره مالی و سرمایه‌گذاری، خدمات حسابداری و حسابرسی فعالیت می‌کند.



در دسامبر سال ۲۰۲۱، زمانی که پلتفرم متاورس HORIZON WORLD نسخه‌ی آزمایشی خود را منتشر کرده بود، یکی از کاربران خانم، شکایتی را از شرکت فیسبوک، مبنی بر اینکه به طور نامناسبی توسط سایر کاربران لمس شده، اقامه کرد. این باید یک هشدار اولیه باشد که آزار و اذیت جنسی و حتی ادعای تجاوز در متاورس به وجود خواهد آمد. پس از گسترش متاورس، **اختلافات مالکیت فکری و تخلفات مالی**، ممکن است مستعدترین زمینه‌ها را برای وکالت سایبری فراهم کنند. یکی از مؤلفه‌های کلیدی دنیای متاورس، NFT (توکن‌های غیرمثلی) است که به دارایی‌ها و خدمات متاورس، اجازه مالکیت، معامله، خرید و فروش را می‌دهد. یک NFT، ایجاد و مالکیت انواع دارایی‌های دیجیتال را ثبت می‌کند و آن‌ها را در یک بلاکچین، در یک دفتر کل عمومی ذخیره می‌کند که تغییرناپذیر و غیرمتمرکز است؛ بنابراین هیچ نقطه شکستی برای این NFT های ثبت شده وجود ندارد. سابقه ایجاد و تراکنش‌های مربوط به مالکیت، NFT و آثار هنری یا دارایی‌های دیجیتال مرتبط با آن را منحصربه‌فرد می‌کند، و بنابراین کمیاب و بسیار کلکسیونی خواهند بود. با فرآیند NFT، تنها یک فایل تولید می‌شود تا منحصربه‌فرد بودن و اصالت آن تضمین شود، و به همین دلیل است که آثار هنری NFT، گاهی به قیمت ده‌ها میلیون دلار فروخته می‌شوند. وکلا بدون شک متوجه خواهند شد که با این همه پول در حال تعقیب کلکسیون‌های NFT و پروژه‌های متاورسی، جای تعجب نیست که موکلان شما قربانی کلاهبرداری‌ها، طرح‌های پانزی و هرمی شوند که در دنیای سایبری تحت عنوان Rug Pulls از آن یاد می‌شود. (این کلاهبرداری اغلب بدین شکل رخ می‌دهد که پروژه بی‌ارزشی به کمک تبلیغات فراوان، با ارزش جلوه داده می‌شود. سپس وقتی توجه و سرمایه کاربران به این پروژه جلب شد، توسعه‌دهندگان و بانیان پروژه با سرمایه کاربران فرار می‌کنند و سرمایه‌گذاران را با یک مشت توکن بی‌ارزش تنها می‌گذارند.) همچنین، در مورد قوانین موجود باید بیان داشت که این قوانین ممکن است به‌وضوح اعمال شوند و در موارد دیگر، قوانین موجود ممکن است یک تناسب ناخوشایند ایجاد کنند و یا برای رسیدگی به رفتارهای جدید ناکافی باشند، که باعث تصویب قوانین و مقررات جدید می‌شود. دامنه قوانین و مقرراتی که می‌تواند در متاورس دخیل باشد، عملاً نامحدود است و فهرست حوزه‌های حقوقی همچنان می‌تواند ادامه یابد، اما تنها راه را برای پیچیدگی‌های بی‌شمار ناشی از موضوعات حقوقی و اتفاقاتی که هرگز در دنیای واقعی رخ نداده‌اند، اما در دنیای متاورس اتفاق افتاده (و یا خواهد افتاد)، باز می‌کند. پرسش در مورد صلاحیت قضایی، انتخاب قانون صالح و تعارض قوانین در حال حاضر سؤالات اساسی نیستند، اما با تمایل هرچه بیشتر مردم



به این جهان نوظهور، وکلا باید به
فکر پاسخ به این سؤالات نیز باشند.
در پایان، از آنجایی که سازندگان
متاورس تلاش می‌کنند دنیای کاملاً
جدیدی از فرصت‌ها را برای مردم ایجاد
کنند، بهتر است وکلا در این چالش
شیرین همراه مردم باشند تا در این
دنیای جدید، شجاعانه حرکت کنند.



”

دادرسی کیفری عادلانه از الگوهای توجه‌پذیر بررسی چگونگی رسیدگی به رفتارهای مجرمانه و پاسخ دادن به مرتکبان بزهکاری است. این الگو که بر رعایت و تضمین سلسله‌ای از اصول و حق‌ها در فرآیند کیفری تأکید دارد، از دهه ۱۹۶۰ مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی سازمان ملل متحد قرار گرفته است. ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نمونه‌ای برجسته در این زمینه به شمار می‌رود. بر اساس آن، حق بر دادرسی عادلانه از جمله حق‌های اساسی بشری افراد در فرآیند کیفری پیش‌بینی شده است. در چهارچوب سیاست جنایی ایران، الگوی مذکور از رهگذر دسته‌ای از اصول پیش‌بینی شده در فصل سوم قانون اساسی با عنوان «حقوق ملت» شناسایی‌پذیر است. █

نقش وکیل در تضمین اصول دادرسی کیفری عادلانه

دکتر امیرحسین نیازپور، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

”

سخن در باب اندرزهای اخلاقی به وکلا و لزوم رفتار حرفه‌ای آنان به کرات رفته است. نظر به اهمیت جایگاه وکیل، قضاوت‌های متنوعی در طول تاریخ درمورد این جایگاه وجود داشته است. تصوراتی که شاید از وجهه بدبینانه وکلای یونان باستان، که به سفسطه‌کاری مشهور بودند آغاز شده و تا تقدیس جایگاه وکیل به عنوان بازوی فعال شهروندی دادگستری و دادخواهی در برابر متعدیان به حقوق افراد جامعه و تشبیه او به «بال عدالت» پیش رفته است. این میزان از تنوع در بازخوردها و قضاوت‌ها راجع به این شغل خطیر، خبر از دشواری و ابعاد پیچیده و گسترده آن دارد؛ یعنی هرآنچه که هست، این موقعیت شغلی می‌تواند دامنه وسیعی از افراد را -از بااخلاق‌ترین‌ها تا بی‌اخلاق‌ترین‌ها- به خود جذب کند. █

سخن سردبیر: بر بال عدالت

علی وفائی خسروشاهی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی

”

تبلیغات می‌تواند به عنوان بزرگ‌ترین عامل ترغیب‌کننده به خرید محصولی یا انجام کاری به صورت مستقیم یا غیر مستقیم باشد. متأسفانه در کشورمان، ایران، اجازه‌ی تبلیغ به وکلا، آن‌طور که شایسته‌ی انجام است، داده نمی‌شود. این صحیح است که شأن وکیل، که در مقام مددکار قاضی برای کشف حقیقت و برپایی عدالت چنان والاست که کم‌تر کسی حرفه‌ی وکالت را به چشم یک کسب‌وکار یا دکان می‌نگرد، از همین طریق برخی می‌گویند که وکلا، بخاطر جایگاه مورد اهتمام‌شان، حق ندارند شغل و حرفه‌ی خود را تبلیغ کنند، چه این امر، بیش‌تر مناسب کاسبان است و نه وکلا! اما آیا واقعا چنین امری با منع قانونی روبه‌رو است؟ █

فرهنگ‌سازی استفاده از وکیل

سید امیررضا کریمی سوق، دانشجوی کارشناسی دانشگاه قم